

- اخراج معلمان انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی توده هاست
صفحه ۱۵
- راه رشد غیرسرمایه داری عراق، سلاح های شوروی و فضاخت رویز یونیستها
صفحه ۶
- رزمندگان و مسئله رویز یونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۶) صفحه ۱۳
- باجشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۵) صفحه ۵
- نقد فیلم مبارزین باسک : رویز یونیسیم علیه آوانتوریسم صفحه ۲۱
- آمریکا به خلقهای منطقه جنگ و دندان نشان میدهد، اما... صفحه ۱۱

بیکار

بها ۲۵ تریال

سال دوم - دوشنبه ۷ مهر ۱۳۵۹

جنگ غیرعادلانه و ارتجاعی ایران و عراق و تاکتیک

گمونینتها

با بمباران فرودگاههای ایران توسط نیروی هوایی رژیم ارتجاعی عراق در ۳۱ شهریورماه درگیری های مرزی دوکسور وارد یک مرحله از جنگ آسکارتوام عیار کردید. هرد رژیم با استفاده از نیرو - های هوایی، دریائی و زمینی به خاک یکدیگر حمله کرده و علاوه بر آنکه - تاسیسات نظامی و نفتی یکدیگر ضربه وارد می آورند، خانه های زحمتکشان را با خاک یکسان کرده و سبب قتل و گسار جمعی توده ه میشوند. بعلاوه از هم اکنون آثار کمبود ارزاق و سوخت و گرانسی در ایران تشدید شده و سد و ن سگ وضع مشابهی در عراق نیز حکمفرماست
بقیه در صفحه ۲



خلفهای ایران و عراق

جنگ ایران و عراق فرصتی طلائی برای تحکیم ضد انقلاب و سرکوب انقلاب

جنگی ضد خلقی بین ایران و عراق در گرفته است و آنان در پهنه های مختلف از جنبه های متعدد قابل بررسی است. در این جنگ غیر عادلانه رژیم ستار جمهوری اسلامی میکوشد تا در جهت تحکیم موقعیت خود بیشترین بهره گیریها را بنماید. به موازات این جنگ تبلیغ شوینیسیم در میان توده های ناآگاه و متزلزل و جلب آنان بسوی خود تقویت ارتش شاهنشاهی و سرکوب انقلاب از جمله اهدافی است که رژیم تعقیب میکند. رژیم جمهوری اسلامی به این موقعیت بمثابة یک "موقعیت طلائی" می نگرد:

بقیه در صفحه ۲۰

خطاب به کلیه رفقا،
اعضا و هواداران سازمان!
«در رابطه با جنگ
ایران و عراق»
صفحه ۱۲

مبارزات کارگران کارخانه عبیدی
و عملکرد فدائیان (اکثریت)
صفحه ۳

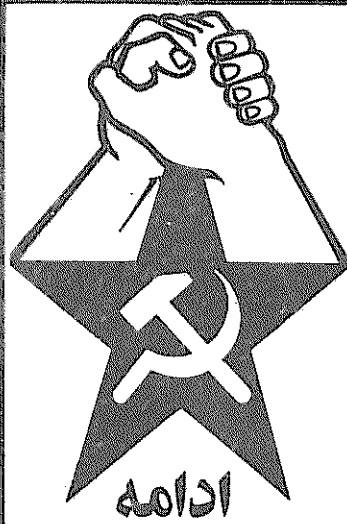
اعتصاب کارگری در آلمان شرقی
جلوه های دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی
صفحه ۶

نقطی پل دانشگاه

نشانه وحشت از آگاهی توده هاست
صفحه ۷

موضع مادر قبال
جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران
و عراق چیست؟
صفحه ۲



ادامه

اطلاعیه وحدت
صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

موضوع ما در قبال جنگ ایران و عراق

ماهیت جنگ ایران و عراق چیست؟

- جنگ ایران و عراق جنگی است در ادا مه‌سیاست‌های ارتجاعی و درگیری‌های گذشته میان دو کشور، در اسنادی وسیع و گسترده‌برآ
- جنگ ایران و عراق جنگی است میان دو رژیم ارتجاعی و در جهت تا مین منافع سرمایه‌داران دو کشور و به منفع امپریالیستها و سرمایه‌داری جهانی و حفظ سلطه آنها بر علیه منافع خلقهای ایران و عراق!
- جنگ ایران و عراق، جنگی است در مقابل جنبش انقلابی هردو کشور ایران و عراق در جهت تحمیل و منحرف کردن سوخته‌ده‌های خلق هردو کشور از انقلاب و مبارزه علیه رژیم‌های "خودی"!
- جنگ ایران و عراق، جنگی است تجا و زکا رانه، ارتجاعی، غیرعادلانه و ضد مردمی، و این که کدا میک از این دو رژیم، درگیری و جنگ مطلق را آغاز کرده است، سفیری در ما هیت این جنگ نمی دهد!

هدف رژیم‌های ایران و عراق از این جنگ چیست؟

- هدف رژیم‌های ایرانی عراق از این جنگ، جا مه عمل پوشانیدن به آرزوهای استیلا طلبانه و توسعه طلبانه بورژوازی خویش، ضمیمه کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ نشینهای آن است.
- هدف رژیم‌های ایرانی عراق، از این جنگ با صلاح صدور "انقلاب اسلامی" به عراق و حمایت از جنبشهای ارتجاعی این کشور طبر "خراب" "مرد" "نژاد زمان بیکار را سلامی عراق" است.
- هدف عمومی رژیم‌های ایران و عراق، از این جنگ، تحمیل سوخته‌ده‌های هردو کشور، منحرف ساختن مبارزات آنها از انقلاب و مبارزه با رژیم‌های خودی، سرکوب و نابودی جنبش انقلابی و کمونیستی هردو کشور، تا مین منافع سرمایه‌داران و ادا مه‌سیاست‌های حاکم بر هردو کشور و سلطه امپریالیسم جهانی، ا ندا خشن سوخته‌ده‌ها به جان بگذرد و اسفاده از آنها بعنوان گوشت دم‌توب می باشد!

شعارها و وظایف

- محکوم ساختن جنگ تجا و زکا رانه و ارتجاعی هردو رژیم ایران و عراق
- توضیح واقعی و نوظنه‌های امپریالیسم، هدفها و بهر ه برداریهایی که هر یک از دو رژیم ایران و عراق از این جنگ در نظر دارند.
- کار توضیحی و اقناعی در میان سوخته‌ده‌ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجا و زکا رانه و ارتجاعی
- افتای همه جا به خوینسیم و عوا مفریبی ها و تبلیغات ارتجاعی بورژوازی تحت پوشش "میهن پرستی" و "دفاع از میهن"
- اقناعی همه جا به روبری سوخته‌ده‌ها که با فریب سوخته‌ده‌ها تحت عنوان "میهن پرستی" و خوینسیم بورژوازی را در میان زده و سوخته‌ده‌ها را بدنبال بورژوازی می کشانند.
- کسب آما دگی و ندادارک سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ دا خلقی.

نوظنه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم کنیم!

جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

مستحکم باد اتحاد و همبستگی پروتاریا و خلقهای ایران و عراق بر علیه بورژوازی هر دو کشور!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۲

۱ اعلام شماره ۹۸

دارد کدا این جنگ را به پیش می برد.

اگر سیاست رژیمهای یعنی عراق و جمهوری اسلامی ایران را مورد بر خورد قرار دهیم، متوجه می شویم که هر یک از این رژیمها ماهیتا رژیمهای ارتجاعی بوده و در طول حیات خود جز سیستمی و اقتصاددی بر تنده‌ها و سرکوب جنبش و انقلاب سوخته‌ده‌ها و خدمت به منافع سرمایه داران و امپریالیستها کار دیگری انجام نداده اند

ار هتکام تا سیر رژیم جمهوری اسلامی در ایران، هر دو رژیم نسبت به خلقهای بگذر یک سیاست توسعه طلبانه را به پیش برده، یکی به اسم "دفاع از خلق عرب خوزستان" و دیگری به اسم "مدور انقلاب اسلامی" سعی کرده اند سوخته‌ده‌های دو کشور را به جان بگذر ا ندا خسته و

بقیه در صفحه ۱۲

مخس عاری از معرفت نمیتوانند بفهمند که جنگ ادا مه‌سیاست است. در نتیجه وجود ر ادا مه‌سیاست فرمول محدود میکند که "دشمن شما حمله کرده است"، "دشمن به کشور من هجوم آورده است" بدون اینکه بیا ندیند که چه موضوعی در جنگ مطرح است. کدا م طبقات تا مین جنگ دست زده اند و بیا چه منظور - های سیاسی ای ". (لنین - کاریکا توری از ما ر کسیم و اکونومیم امپریالیستی - مجموعه آثار، جلد ۲۲ صفحه ۲۲)

(مجمعات ۲ و ۳ کتاب "عقا، فولیائی از لنین در باره مسائل جنگ" از سازمان پیکار ...)

آری، "جنگ ادا مه‌سیاست از راههای دیگر است" در نتیجه سرت هر جنگ بستگی به سرت دولت و طبیعتی

بقیه از صفحه ۱ جنگ غیر عادلانه ...

هزیک ارزشهای ارتجاعی ایران و عراق می- کوشند تا شروع حمله را به طرف مقابل نسبت داده و بدینگونه خود را در مقام یک مدافع بیگناه جلوه دهند.

رژیم یعنی عراق، رژیم جمهوری اسلامی را شروع کننده جنگ میدانند و معتقد است که رژیم ایران با دخالت در امور داخلی آن کشور و سوسی سیمان عراق به سورت علیه حکومت، آنها حمله را شروع کرده است. در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، کما را بکردن رژیم "کافر" صدام - حسین ا ندا خسته و سماران هواشی ۳۱ سپر - سور را ناهدمیا ورد.

اینکه کدا میک از طرفین شروع کننده جنگ بوده است، به هیچ عنوان ما هیت این جنگ را روشن نمیکند بلکه دقیقا این ما هیت رژیم و محطت طبقاتی آن است که ما هیت این جنگ را روشن میازد.

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق از طریق این

جنگ نه تنها میکوشند منافع ارتجاعی خود را در منطقه تا مین نمایند، بلکه علاوه بر این و مهمتر از آن میکوشند تا بسبب ایجاد این جنگ ضد انقلابی، با مبارزات انقلابی در هر دو کشور رسته مقابله برخیزند.

لنین در این باره چنین میگوید:

جنگ ادا مه‌سیاست از راههای دیگر است. نتیجتا جنگها از سیستم‌های سیاسی که آنها را بوجود می- آورند جدا گانی نپذیر هتند. سیاسی که یک دولت را معین میکند طبقه معین در آن دولت برای مدتی طولانی قبل از جنگ تعقیب میکند، بنا گذر توسط همان طبقه در دوران جنگ ادا مه پیدا میکند و تنها شکل عمل تغییر می نماید". (مجموعه آثار جلد ۲۴، صفحات ۴۰۰ - ۳۹۹)

شعاری که امروزه تمام نیروهای انقلابی و در رأس

آنها کمونیستها باید انتخاب کرده و به میسان توده‌های مردم ببرند، شعار تحریم این جنگ تحمیلی و ارتجاعی و تبدیل آن به یک جنگ عادلانه علیه رژیمهای ارتجاعی در گیر در جنگ و در منطقه است.

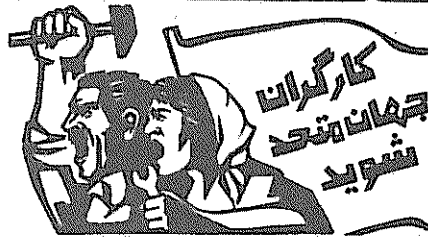
و در جای دیگری تذکر میدهد که:

"پس چگونه میتوانیم "جوهر" یک جنگ را آشکار و تعریف نمائیم؟ جنگ ادا مه‌سیاست است. نتیجتا با بیستی که سیاسی را که پیش از جنگ تعقیب نده امتحان کنیم. همان سیاسی که منجر به جنگ گردید و آسرا بوجود آورد، اگر که آن یک سیاست امپریالیستی بوده یعنی سیاسی که سرتی حفاظت از منافع سرمایه‌مالی و جپاول و بر سر سلطه در آوردن مستعمره‌ها و کشورهای خارجی طراح شده بود - آنکا جنگی که از این سیاست ریشه می گیرد امپریالیستی است. اگر که آن یک سیاست آزادی بخش ملی بود یعنی سیاسی که بیا نگر حرکت سوخته‌ده‌ای بر علیه تحت سلطه بودن ملی بود - آنکا جنگی که از این سیاست ریشه میکبرد یک جنگ آزادی بخش ملی است.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را

محکوم می کنیم!

جنبش کارگری



مبارزات کارگران کارخانه عیبدی و عملکرد فدائیان (اکثریت)

رفقا! آنچه در زیر میخوانید، نمونه‌ای از عملکرد - های ضدکارگری و فدا انقلابی رویزیونیستهای فدا نشی (اکثریت) در کارخانه عیبدی است. این گزارش نشان دهنده آنست که چگونه رویزیونیستهای فدا نشی در عمل نیز کم‌رکمت برای خدمت به بورژوازی بسته‌اند و چگونه فقط در عرصه سیاست، بلکه در عمل خویش نیز به دشمن طبقه کارگری و نیروهای انقلابی تبدیل شده‌اند.

رفقا! ما باید نه فقط ثنوی و سیاست، بلکه عملکردهای سازشکارانه، فدا انقلابی و خائنه نیروهای سیاسی ای را که پشت به انقلاب کرده‌اند، در نزد توده‌ها افشا نمائیم و توده‌ها را از زیر نفوذ آنان بیرون کنیم.

رفقا! بمنظور افشای هر چه بیشتر نیروهای خائس سازشکار و متزلزل، بمنظور آنکه ما بتوانیم تمام طایفه‌های معترضی از عملکرد نیروهای سیاسی گوناگون در کارخانجات و... داده‌ها را شیم و بتوانیم تا کنون خودمان را در برابر آنها تعیین کنیم، لازم است که کلیه رفقا گزارش‌های خود را از فعالیت این نیروها در کارخانه‌ها، روستاها، محلات، مدارس، دانشگاهها، ادارات و... از جمله گرفته‌اند تا هم‌چنین نیروهای خائس و فدا انقلابی تهیه‌شده‌اند. در این میان و در همین رابطه، افشای رویزیونیستهای فدا نشی (اکثریت) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که بخش وسیعی از توده‌های آگاه هنوز نسبت به آنان توهماً رند که با پدیده‌ها را نکست.

تا کیدما اینست که کلیه رفقا در فاصله هفت هفته و بسا به یک وظیفه تشکیلاتی، گزارشات و اخبار خود را از فعالیت و عملکرد نیروهای سیاسی و بویژه فدا نشیان (اکثریت) در محیط کار و فعالیت خودشان، ارسال دارند.

عملکردهای رویزیونیستی فدائیان (اکثریت) در کارخانه عیبدی



بازگشایی کارخانه فیبر با پس در سایه همبستگی کارگران مبارزان

بکار می نماید. حال اینجاست که کارفرمای جدیدی که از طرف فرمانداری واداره کار با بل منصوب شده از عناصرد کارگری است که سال قبل کارگران مبارز او را بخاطر طرفداران ریش به رژیم مزدور شاه و اعمال فساد کارگری از کارخانه بیرون انداختند.

البته کارگران در سایه همبستگی و تشکل خود موفق میشوند خواهستهای خود را بصورت زیر بمورد اجرا در آورند.

۱- کارفرما حق توهین و ناسزاگویی به کارگران را نداشته‌اند.

۲- کارگران بر تولید کنترل و نظارت خواهند داشت. بقیه در صفحه ۴

۴۴ ساعت کار در هفته، لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها، توطئه دیگر رژیم علیه کارگران

کارگران مبارز! وظیفه ما در این میان و در مقابل این توطئه‌ها و حرکات ضدکارگری چیست؟ وظیفه ما این است که سیاستهای ضدکارگری رژیم را کم‌و‌کم و از جمله همین سیاست ضدکارگری اخیراً در مورد لغو تعطیلی ۴ روز در هفته افشا کرده و بقیه کارگران را که نسبت به این سیاستها و اقدامات ضدکارگری نا آگاه هستند، آگاه کرده‌ایم. همه شما را هدیه کرده‌ایم برای مقابله با این سیاست ضدکارگری طوماری از امضاها و کارگران جمع آوری شد ولی از اول معلوم بود که این طومار که سهل‌الست اگر مدیران هم جمع آوری شود دردی را دوا نخواهد کرد و لذا با اید زمان اول آنرا افشا می‌کردیم و بکارگران نشان میدادیم که ما فقط از یک راه میتوانیم بخواسته‌هایمان برسیم و آن اتحاد و همبستگی کارگران است. و پس باید به کارگران نشان دهیم که برای ایستادن در برابر این توطئه‌ها و اقدامات ضدکارگری حاکمان رنگارنگ سرمایه و گرفتن حقوق خود به چیزی بالاتر از امضاء کردن و احتیاج داریم که آن هم داشتن یک تشکیلات مستقل و قدرتمند کارگری است که در چنین مواقعی از حقوق حقه ما کارگران دفاع نماید. و این تشکیلات چیزی بجز شورای واقعی کارگری نمیباشد که ما با بستی در جهت ایجاد آن حرکت نمائیم و لزوم تشکیل آن را برای سار همکاران خود نشان دهیم و روشن سازیم که با داشتن این شورای واقعی است که ما نمیکند رژیم به این سادگی دستاورد های با ارزشی را که حاصل چندین سال مبارزه ما است، از دستمان در آورند.

در رابطه با افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها، کارگران مبارز مجتمع صنایع فولاد اهورا اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که قسمتهاش از آن در زیر درج میشود:

بر پرواز نخل شورا‌های واقعی کارگری، دیروز لغو سود ویژه کارگران و اخراج و دستگیری کارگران مبارز، امروز افزایش ساعت کار و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها و فردا...؟

کارگران مبارز! همانطور که شما همستیم رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای ضدکارگری خود نظیر انحلال شورا‌های واقعی، لغو سود ویژه کارگران، اخراج و دستگیری کارگران مبارز، اقدام به افزایش ساعت کار از ۴۰ ساعت در هفته به ۴۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها نموده و از این طریق یک بار دیگر در عمل نشان داد که اگر در حرف و تبلیغات طرفدار "مستغنی" است، در عمل دشمن کارگران و مدافع سرمایه‌داران زانوفت است.

در این رابطه اخیراً شاهد بودیم که چگونه عمال رژیم جمهوری اسلامی در اهورا برای اجرای این سیاست ضدکارگری خود به جنب و جوش افتادند و با صدور انواع اطلاعیه‌های تهدیدآمیز به کارگران گفتند که اگر پنجشنبه‌ها بر سر کار نیاید چنین و چنان خواهیم کرد... جناب طباطبائی حاکم شرع خوزستان در اطلاعیه سر تا پا شیرینک و فریب خود کوشیده است تا حق ۴۰ ساعت کار و روز تعطیلی در هفته را که با خون خود وطنی مبارزان مستمر خود بدست آورده ایم مسالمانه در جهت تحکیم بیرونی‌های رژیم طاغوتی بحساب آورده‌اند!! و بسا کودنی هر چه تا متر میگوید که دور روز تعطیلی در هفته عوام فریبی می باشد و هر کس بگوید دور روز تعطیلی در هفته "بیگانه‌پرستان" است و از این قبیل مزخرفات که دیگر گوشمان از بی‌آنها را در زمان شاه جلا دور رژیم جمهوری اسلامی شنیده‌است، به آنها عادت کرده‌است! برادران کارگر!

کسانی که دستشان پینه بسته است و برای سیر کردن شکم و وجه خود عرق شریف خسته اند و در شرایط طاقت فرسای خوزستان روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار نکرده‌اند و همواره از دسترنج دیگران خورده و شکمشان را گنده کرده‌اند طبیعتاً است که نمیتوانند بفهمند مسائل ما کارگران کدام است و دردمان چیست و از اینرو با بد همصدا با سرمایه‌داران ما را بخاطر خواسته‌ها - بیان "فدا انقلابی" و "عالم بیگانه" خطاب میکنند...

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

ن	ک	ش	ج	آ
۶۸۱۰	۲۰۰۰۰	۱۴۹۵	۱۱۵۰۰	۱۶۲۰۰
۱۳۴۲۰	۷۸۱۰	۲۲۰۰	ج	الف
۴۳۰۰	۲۵۰۰	۱۰۸۰۰	۲۵۰۰	۲۵۰۰۰
	۱۶۰۰۰	۴۰۲۰	۹۸۰۰	۲۱۵۰
ه	ل	ط	ر	ب
۱۳۸۰۰	۳۰۰۰	۶	۹۰۰۰	۲۰۰۰۰
۷۲۰۰		۵۸۶۴۰	۴۰۰۰	۱۴۰۰
ی	م	ع	۲۲۰۰	ب
۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۶۰۰۰	۲۸۵۰۰	۸۷۰۰
۲۴۰۰	۲۲۴۵۰	۲۳۲۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰
	۲۲۹۰	۷۰۰۰	ش	ت
	۱۸۰۰۰	۴۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۱۰۰
	۷۷۰۰	۱۱۴۰۰	۱۲۰۰۰	ج
	۳۹۱۰	۳۸۰۰	۴۲۰۰	۲۵۰۰
	۶۱۰۰	۲۹۰۰	۲۹۰۰	ش
	۴۶۳۰	۲۱۲۰۰	۳۲۲۰	ج
	۳۹۹۰		۳۰۰۰	

۱۵۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
۱۶۰۰۰	۷۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۶۶۶۰	۱۶۶۶۰	۱۶۶۶۰
۵۰۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۱۹۷۶۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۲۷۵۰	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰
۱۴۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
۷۲۹۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۴۲۱۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰

- ۱- رفیق کارگروها دارسا زمان درپالایشگاه جنوب مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۲- زلفای هوادار درنسا جی های تهران کمک مالی شمارسید.
- ۳- رفقای هوادار اسازمان درجوادیه، مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۴- رفیق هوادار اسازمان درقم، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۵- رفقای هوادار درشونه دشت (مازندران) مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۶- رفقای (ع-ن) (و-ش) ۱۹۱۷ (هدایای شمارسید).
- ۷- رفقای هوادار اسازمان درقربلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۸- رفقای دانش آموز هوادار اسازمان در شیراز (رفقای کاک فواد) مبلغ ۵۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۹- رفقای دانش آموز هوادار اسازمان در شیراز مبلغ ۹۱۵۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۰- رفقای دانش آموز هوادار اسازمان در کرج مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۱- رفیق هوادار اسازمان درگانا، مبلغ ۷۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۲- رفیق هوادار اسازمان در امریکا، مبلغ ۱۴۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۳- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در منچستر، مبلغ ۵۱۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۴- دهقانان انقلابی یکی از روستاهای نور، مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۵- پیوند با کارگران رزمندگان و جلب اعتماد آنها یکی از مهمترین اهداف هر سازمان کومینستی است. موارد زیر نمونه هایی از افتخار فرین از این امر نشان می دهد.
- الف- یکی از رفقای کارگروها دارسا زمان با ارسال مبلغی بعنوان کمک مالی طی نامه کوتاهی خود نوشته است:
- ب- یکی از هواداران این سازمان هستم و کمی از دسترنج خود را برای شما میفرستم تا در راه آگاهی و آزادی طبقه کارگر صرف شود.
- پ- یکی از روستاییان مبارزان با اهدای گوسفندی بعنوان کمک مالی، اعتماد خود را به سازمان نشان داده و تعهد انقلابی ما را بیشتر کرده است.

۴- حلوکیری از حرکات اعراضی و سرخو کارگران همین اواخر یعنی اوایل سرما ۵۹ه صداد ۶۶ نفر از کارگران آسراجه بیلت جمی کار بعد از مدتها مبارزه برای کمرش فوق العاده دسترس دست اعصاب زدند. کارگران کارخانه را آنها حمایت کردند ولی فدائیان با طرح این مسئله که "در شرایط حاضر اعصاب صحیح بسطاطوی آنها ایسا دند و در مقابل اعتراض آنها سعی در برطرفه اندازی کردند، بطوریکه دوسفر ارفدا نشان گفتند که ما حاضریم در قسمت سما که کارش سخنراست بدون فوق العاده دسترس دست رسیم و سما هم بجای ما کار کند و به این ترتیب با صرفه اندازی حرکت آنها را مطلقا به شکست رسانده اند.

۵- نیو بر خورد نیروه های انقلابی و کمونیست - سیوه بر خورد آنها به ما بر نیروه ها (مهای راه کارگر) طور است که ما عدنا باید فقط خود را از وحشت کومینستی (!) طبعدا دعا بند و ما بر نیروه را خارج از جنبش آریایی می نمایند. فدائیان (عبلا (عبلا از اسازمان ۵۹ه) عملا این کار را در مورد ما بر نیروه های سیاسی انجام داده اند. بویزه بر خورد آنها به نیروه های تکمیل دهنده طیف ۳ بویزه بیگا ربا سطلح "ما کوی" است. این انفکوری بجای رسیده که رفقای ما از نظرا مینستی در خطر جدی هستند.

۶- بر خورد اربالا برای بوجود آوردن شکلات عمومی کارگران فدائیان برای بی پایه کردن و در واقع نابود کردن "شورای متحد" که تحت هژمونی آنها بنیاد از هیچ کاری دریغ نکردند. آنها تلاش کردند که از بالا "مجتمع صنعتی غرب" را بوجود آورند و در مقابل "شورای متحد" قرار دهند. علیه "شورای متحد" از هرگونه سمپاشی فرود گذار نکردند. اپورتونوسیزم است در فدائیان (اکثریت) آنچنان رشد کرده است که به توفلی بگروزه ره مدعا له رفته اند و در حال حاضر حرکت آنها در این کارخانه با خائنین سوده ای هیچگونه تفاقونی ندارند. بر خورد فدائیان (اکثریت) با مبارزات اخیر کارگران این کارخانه کویای بارزین واقعیت است که ما دیلا به توضیح آن می پردازیم:

ادامه دارد

تهاجم به خوابگاه دانشجویان و تندی یورش به دانشجویان، دانش آموزان

اوباشان و پاداران رژیم در هفته گذشته سیه خوابگاه دانشجویان تربیت معلم حمله کرده و پس از در هم شکستن وسایل دانشجویان، بیرون با گاشک آور و اذیت و آزار دانشجویان، عده ای از آنها را دستگیر کرده، آنها را از خوابگاه بیرون می کنند. دادستانی ضد انقلاب نیز به سیه خوابگاهها اخطار کرده است که از خانه های خود بیرون بیرون در غیر این صورت با حوادث مشابه روبرو خواهند شد. ندا و ام خارج مصلمین انقلابی در سرا سر ایران و سرگزارای راهیما را اول مهر برضد دانش آموزان و مصلمین انقلابی نشان میدهد که رژیم در این شرایط نیز بیشتر ترستی خود را در سرکوب گندام نیروه ها بکار می برد.

مبارزات کارگران ...

محور فعالیت فدائیان در کارخانه عبیدی عبارت بود از: حرکت درجا رجوب ماسونی، ممانعت از حرکات اعراضی و سرخو کارگران، تشویق کارگران به کار هر چه بیشتر، به سازش کشاندن مبارزات کارگران (در جریان تحصن و اعتصاب)، دفاع از مدیریت و تسلی و ترساندن کارگران از اینکه حرکات اعراضی باعث رزم کردن مدیریت میشود ...

اینان در تکمیل حرکت "پروپاگندای خود اعسای نیروه های انقلابی درون کارخانه بویزه "بیکار"، عدم همکاری و مشورت در هسته مرکزی کارخانه (مسکسل از کلیه نیروه های م. ل. با مدیران) از ادر سور قرار داده اند.

خط کار فدائیان در این کارخانه قبل از انتشار "کا ۵۹" دقیقاً بر این خط انطباق داشت و حتی از نظر امنیتی رفقای ما مدعی است که از جانب آنها تکراری دارند. همین حرکات باعث شده بود که ما با تکراری زیبا دی نشریه شماره ۲ کارخانه را منتشر کنیم که مورد استقبال کارگران قرار گرفت ولی موشگری آنها و در واقع افشای رفقای ما (بطوریکه کارگران خبردار شدند که این نشریه را چه کسانی در می آورند)، ما را از ادا مکار برای مدتی موقتاً منصرف نموده است. بطور خلاصه حرکات و شیوه برخورد فدائیان در این کارخانه تریبها هیچ تفاقونی با برخورد حزب نبوده خائنین نداشته است.

در ماهی اخیر حرکت فدائیان را در کارخانه حول چند محور با بد برخورد نمود:

۱- بالا بردن بهره وری تولید - فدائیان در این کارخانه حتی قبل از انتشار "کا ۵۹" هرگونه حرکت اعتراضی کارگران را محکوم می نمایند و جلوی آن می ایستند. آنها در قسمت های خود (میزهای کسار) آنچنان به سختی کار می کنند که سرپرستان همواره آنها را به مبارزات کارگران نشان میدهند که "از اینها یا دیگرید!" و در این رابطه مبارزات کارگران را تشویق به مبارزه بیشتر می نمایند. اخیراً آنها در این دامن زدن به رقابت در تولید تا جایی پیشرفتند که تولیدشان از یکی از میزهای که کارگران قدیمی روی آن کار می کنند و تاکنون در طول حیات کارخانه ما بقیه نداشتند است که کسی بتواند از نظر سطح تولید به آنها برسد. جلوزده اند و رکورد جدیدی در تولید بدست آورده اند. این کار حتی از نظر روحی به آن کارگران قدیمی که رکورد خود را از دست داده اند تلطمه زده است. لازم شد که است که در این کارخانه ما با شورائی وجود دارد، چه برسد به شورای واقعی که فدائیان به این بها نه و بر ما سراسر استدلال خودشان خواسته بنا شده به هر وری را با لایبرند! در ضمن خود این فدائیان و حرکتها ی آنها درجا رجوبه های قانونی همواره بصورت یک مانع جدی برای ایجاد شورای واقعی کارخانه بوده است.

باقیه از صفحه ۳ بازگشایی ...

۳- مدیریت کارخانه حق اخراج و یا استخدام کارگر نداشته و بنگونه مورد عهده شورای کارگران است. مستحکم با دیپوند کارگران کارخانه قیبریا بلسر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با چشم باز در افق خونین کردستان

خطرات يك سرباز (۵)

گيست که بتواند آن زندگی هائی را
که بمباران میشوند توصیف کند؟

۳ اردیبهشت

۳ روز است که صدای مهیب خمپاره - انداز و شیربارگوش آدم را کر میکند. هر در محاصره آتش است ولی قهرمانان مقاومت میکنند. ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به آ ماده - با شاداندند. امروز صبح گردان هواپرد - با تمام تجهیزات حرکت کرده بود و اینک نوبت ما بود. اینهمه قوا برای سرکوب ظنی که مسلحان از حقوق خویش دفاع میکنند، تجهیز شده است. گروهان، گروهان اما ده برای سرکوب میشوند.

با آرایش رزمی از پادگان خسارج ندیم، به بالای تپه رفتیم. در حین دو سه کیلومتری ما تپه بزرگی بود که میبایست بدانجا برویم. هنگامی که به تپه نزدیک شدیم، خمپاره ۸۱، توپ ۱۰۶، شیربار ۷۲-۱۲ (کا لیبیره ۵) بگرا افتاد و با حداکثر قوا دامنه را کوبید. در آنجا قسمتی از خانه های شهر قرار داشت. اما جا امنیت نبود. هدف کوبیدن بود.

پس از یک ساعت درگیری گروهانسی که در جلوی ما قرار داشت عقب نشینی کرد اما بالای تپه چند تن از افراد شیر خورده بودند، که به گروهان ما دستور کمک داده شد. اوضاع غریبی بود. هلیکوپترها و فانومها بطور مداوم شهر را می کوبیدند ستونهای آذورد در سرتاسر شهر بچشم می خورد. شهر سوخته از آتش، آتیا کلمات میتوان نادین و جشگری ها را توصیف کند؟! شهر آتش گرفته بود. اما کیست که بتواند آن زندگی هائی را که بمباران میشوند، توصیف کند؟...

یکی از هلیکوپترها در سطح پائینی حرکت میکرد و با شدت بر روی شهر کبار می گشود. یک گلوله به آن اما بت خورد. هلیکوپتر آهسته آهسته وسوس بر عتت به پائین افتاد. دود غلیظی برخاست. شهر قهرمانان از هستی خود دفاع میکرد. تعدادی سربازان زگروهان ما ما مور شدند تا به گروهانی که در جلوی ما قرار داشت کمک برسانند. بعد از چند لحظه به ما دستور داده شد که به پادگان برگردیم باقی گروهان شب برگشت. ۳۰ سرباز کشته و ۴ نفر زخمی شده بودند. به علاوه تپه هم از دست رفته بود.



هنگام شب، در آنجا اینکا و لوله های برپا بود. چند تا از سربازان کریمه می کردند. بخاطر کشته شدن دوستانشان اشک میریختند. آه، اگر آنان در می یافتند که فاضل واقعی رفقایمان نظامی است که برای منافع سرمایه، انسانها را قربانی میکنند، اشک نمی ریختند و بجای آن قلبشان بر آرزو فقرت میشد. آنجا به از هم می جنگیدند. اما جنگی عادلانه، برای ویران کردن نظام سرما بیداری. هسوا تا ریک شده بود که هلیکوپتری فرود آمد. بیش از صد نفر با سدا ربالیا س ارتشی از آن پیا نه شدند. "الله اکبر" گویان بظرف آساینگا هم میرفتند. به چهره های جوان نشان نگریمت. قطعا به آنها گفته بودند که به جنگ با کفار میروند!

۴ اردیبهشت

دیگر به صدای مداوم اسلحه های سبک و سنگین عادت کرده ایم. روزها از بی هم میگذرند و هر روز برای سربازان خاطراتی ناخوش بجای میگذارد. ساعت ۷/۵ صبح بود که خبر آوردند که یکبارک موسور در آنجا با بت ترکش خمپاره کشته شده است. او را می شناختم. از خانواده ای زحمکش از عشا بر شیراز بود و اینک عمر کونسا ه برزخمتش اینگونه بسر آمده بود.

امروز صبح زود پادگان به داخل شهر رفته اند. پادگان حملاتش را دوباره بر کرده است. تا نکجا پادگان را همراهی میکنند و فانومها بیشتر مانده شهر را می کوبند و بمباران میکنند. هلیکوپترها رگبارهای سربازان را بر مردم فرو میبارند. ساعت ۱۱ خبر می آوردند که شهید است. پادگان افتاده است و ارتش با بدیه کمک آنان برود. مسخره است! آتیا ز شهر چیزی هم باقی مانده است که تصرفش افتخار آفرین باشد؟! سربازان خوشحالند. شادینان هم مثل دشمنی شان کوراست

سپاه میخواد هنجنگ نیا سدوآنا ن جان سالم بدر ببرند. "پیروزی برای آسان" یعنی زنده ماندن دارد. اینک شهر ویران شده. اینک زنان، مردان و کودکان کشته شده اند و خانه و زندگیشان از دست رفته. اینها دیگر برایتان اهمیت ندارد و طبیعتی است که بنا شده با شد. بیثباتی به مهره ای در کشتار خلق بکار گرفته میشوند و موقعیتشان به آنان چنین روحه ای می بخند. بعد از ظهر چند نفر از گروهان ما با دلاوری به شهر رفتند. در سیم تنیدیم که دود حتر جوان را با اعلامیه و کتاب گرفته اند.

جمعه ۵ اردیبهشت

ارتشی که "پیروزی" را با بمباران شهر و مردمانش بدست می آورد، میسوان فکر کرد که با مردم چه خواهد کرد. دسروز دهها نفر از زکرها را به پادگان آورده بودند. در یورش و حمله به شهر، آنانرا دستگیر کرده بودند. مردهای جوان را در بیرون جمع کرده بودند و زنها و بچه ها و پیر مردها را در مسجد، بنا شده بود که مردهای جوان تسلیم دادگاه شوند. (به چه جرمی؟!)

شهر منهدم شده است. بمباران های مداوم و سیر حمله چهره زیبایی سنج را له کرده و در هم پیچیده است. اما خلق قهرمان کرده مقاومت میکنند. رادیو و تلویزیون هنوز در اختیار "بیمبرگه ها" است. در درگیری دیروزه نفر کشته شده اند ارتش حمله میکند بنجوی کا ملا غیر انسانی اسرمیکرد. از هر خانه چند نفر به سیوه یک ارتش اشنا لکر دستگیر میکند. بچه های برهنه و خاکی کریمکنان بدنیا ل آنها میدوند و پیرزنان بر سر می کوبند. شیون وزاری آنچنان بالا میگیرد که سربازان را آزار میدهد.

سربازی که کنار من میخوابید، نا پدید شده است. گویا در شهر شیر خورده و همانجا مانده است. بجای خالین تکه می کنم. عاقبت خودش هم در شناخت که چرا می جنگد. و اینک تا پیدا و مرده با شد! بهر حال چنین سرنوشتی در انتظار رهبریک از ما هست. امروز صبح رادیو می گفت که تا ساعت ۲ بعد از ظهر به شهر مهلت داده شده

است تا خود را تسلیم کند. حنده آورا است از شهر چه باقی گذاشته اند؟! همه خانه ها منهدم شده است ویرانی بینهایت است. اما حاکمان شهر بد که مردانها، پیمانده و بدخلق گفت: "خلق پیروز است".

گذری بر خطرات

در این بیست روزی که در منطق ما کرمانشا و کردستان بسر برده ام، بیست واقعه ای بسیار بدست ما فسیده ام. مسائل کلی که قبل از این در باره آن تردید داشته ام، اینک بر اساس محصل شده است. این واقعت که همه تجهیزات تسوی - المادهای که میباید برای سرکوب کردستان اسباب این واقعت که رفتن به مرز عراق بهانه ای پیش نبوده، و بنا می آید که میگذرد: تنها جرات ارتش و پاسدار - آن در منطقه، بمباران و حمله به شهر - سنج سرکوب بیرحمانه مردم، دروغانی از رادیو و تلویزیون ... همه و همه خیلی خوب ثابت میکنند که هدف حکومت سرکوب مبارزات خلق کرد است و ارتش و پاسداران و سایل این سرکوب هستند. بنی صدمه خوانستار شدن شدت عمل و تا شیدکا مسل این سرکوب، موضع طبقاتی خود را روشن کرد. همچنانکه در مسئله دا نکا هوی نشان دارد. نشان داد که از منافع کدام طبقه پشتیبانی میکند.

و من جز این ارتش هشتم، به همراه سربازان بیما ری که خواهان جنگ نیستند، اما آن مثل عامیانه درست می. کویده که: "ارتشی جدا از ارتش است" مسا چه خوب با سیم وجهید، مثل ابزارای در خدمت دستگاه ارتش هستیم که ما ابزار سرکوب مردم و ستون فقرات فخلق است در این بیست روز ما عاتت بسیار تلخی داشته ام. در تمام این ساعات مبارزه جانانه خلق کرد، بهین چشم بوده است. چه دلاوران می کنند. ایما نشان از حقانیتشان است. این را میدانم.

با خود فکر میکنم چگونه بسیاری از مردم ما به واقعتات آکا هستند. اگر چه اخبار و اطلاعاتی که از رادیو و تلویزیون پخش میشود مردم را به آرامش دعوت میکند، نشان میدهد که مردم رفته رفته در تنبیدار میشوند. (اذا مه اارد)

گفتنی شد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان
اتحادیه تشکیلات بلوچستان - شماره ۲۹، ۶، ۱۶، ۵۹، ۱۰، ۱۴

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



اعتصاب کارگری در آلمان شرقی

جلوه‌های دیگر از مبارزه طبقاتی در اروپای شرقی

هفته گذشته کارگران راه آهن دولتی آلمان شرقی در برلین شرقی اعتصاب کردند. انگیزه اعتصاب کارگران، بی‌اشتباه بودن دستمزدها، کثرت ساعات کار، وعدم وجود امکانات رفاهی مناسب برای زندگی بود. حزب دولت بورژوازی رومانیست آلمان شرقی، برای مقابله با کارگران و جلوگیری از رشد و گسترش دامنه اعتصاب به دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی، حدود ۴۵ نفر از کارگران راه آهن را اخراج نموده و علاوه بر امتناع از مذاکره با نمایندگان کارگران، کارگران را به اخراج تهدید کرده اند.

بدنبال اعتصابات عظیم کارگری در لهستان، اکنون موج مبارزات کارگری در کشورهای بورژوازی رومانیست آلمان شرقی زویه گسترش است. اعتصابات کوچک و بزرگی که در این کشورها روی میدهد، مبین وجود مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه طبقه حاکم و مسلط بر آنهاست. چه این اعتصابات نتیجه ناگزیر استعما طبقه کارگر، دستمزدهای کم و شرایط طاقت فرسای کار روزندگی می باشد. این انگیزه ها که طبقه کارگر را بویژه در لهستان و آلمان شرقی به مبارزه کشانیده است، بهیچ وجه در نظام موسیالیستی مفهومی ندارد. بلکه تنها و تنها در مناسبات سرمایه داری و تحت حاکمیت بورژوازی است. که این پدیده ها برای طبقه کارگر در زندگی و مبارزه اش قابل لمس می باشد. در کشورهای روسیه و اروپای شرقی، بعد از استعصاب کارگران کمونیست این کشورها به حزب بورژوازی رومانیست، مناسبات استعصاب کارگران ایجاد شده است و در حقیقت استقرار مناسبات سرمایه داری و حاکمیت بورژوازی است که باعث مبارزه طبقه کارگر است. کشورها گردیده است. بهرستی میتوان گفت که مبارزات کارگری در اروپای شرقی در محدوده لهستان و آلمان شرقی باقی نخواهد ماند. چه به سبب رشد بحران و افزایش فشار سرمایه بورژوازی بر طبقه کارگر، و کارگران روسیه و تمام کشورهای اروپای شرقی، در سنگر پروتسواربی جهانی و بیمنابزه جزئی از آن، بهر علیه سرمایه جهانی و برای رسیدن به موسیالیسم را ستین به بیگانه خود را میخوانند. دود را این راه از حمایت طبقه کارگر سرچنان نیز برخوردار خواهند بود. آنچه که با بدو در تحلیل ما از مبارزات کارگران

در کشورهای بورژوازی رومانیست حاکم و سرمایه داری داشته اند عبارت است از:

۱- افسای ماهیت طبقاتی رومانیسم، سیاستها و عملکردهای آن در شما زمینه ها و افسای ماهیت "موسیالیسم" دروغین شوروی و اروپای شرقی کسسه نقاب بی فریبندگی برای سرمایه داری دولتی در این کشورهاست. حمایت پیگیر و فعال و همه جانبه از مبارزه کارگران اروپای شرقی نمی توان انجام گیرد مگر آنکه مبارزه ای سرخستانه و آشتی ناپذیر بر علیه رومانیسم و موسیالیسم همراهی باشد.

۲- افسای تبلیغات و توطئه های امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی، کشورهای ارتجاعی و رومانیسم-تبعیهای خاص جهانی و روشن ساختن مرز میان برخورد و تحلیل کمونیستها و برخورد و تحلیل خائنین به خلق طبقه کارگر.

امپریالیستها و کشورهای ارتجاعی، میسازات کارگران اروپای شرقی بویژه لهستان و آلمان شرقی را مستحکام اهداف کمونیستی خود قرار داده اند. اینان که در استعمار و جنبه طبقه کارگر در غرب و کشورهای وابسته، دست کمی از موسیالیسم و بورژوازی رومانیست ندارند، با تبلیغات دروغین و عوامفریبانه خود، حول مبارزات کارگری در اروپای شرقی، در پی آشناندن کارگران و زحمتکشان را از نظام رها می بخش موسیالیسم و کمونیسم تراشند. آنها با

راه رشد غیر سرمایه داری عراق. سلاح های شوروی و فضای رومانیست

تا همین چندی پیش مسکو و عمالشان از موسیالیسم بعث عراق سخن میگفتند و پیشرفت های مدام حسین را مکررا "در راه موسیالیسم" میستودند. کارشناسان نظامی مسکو در عراق بودند و رابطه گرم اقتصادی - سیاسی در بینشان حاکم بود. شوروی تهیه کننده اصلی سلاح های رژیم بعث بود. و اکنون عراق با سلاح های روسی با رژیم ایران میجنگد. شوروی در ۱۹۷۲ قرارداد دوستانه طول المدتی با عراق امضاء کرد و در ۱۹۷۸ قرارداد محکمتری برای فروش بیشتر سلاحها با عراق منعقد شد. خت پس از تهاجم عراق به ایران در هفته گذشته طاروق عزیز عمر برجسته شوروی فرماندهی عراق به مسکو عزیمت کرد. طبیعی است این ملاقات در اوج جنگ با ایران نشانه کیفیت روابط عراق با شوروی است. گرچه عراق اخیرا سیاستهای نزدیکسی بنفر با اتحاد کرده و کوشیده بود تا بیشتر در مدار وابستگی به امپریالیسم غرب قرار بگیرد. اما این امر مانع از آن نشده حتی در هفته های اخیر فروش سلاحهای روسی به عراق و تحویل این اسلحه در بصره انجام نگذرد.

طبق گزارش خبرنگار ریه، پروادا نوشته است کسسه آمریکا میگوید ایران را در مقابل عراق قرار دهد. " با این روابط حسنه سوالی که اینجا با بدو خائنین بوده ای و رومانیستهای فدائی کردا نیست کسسه سیاستهای کشور "موسیالیستی شوروی" چگونه سیاست های آنان در شما دقت را میگیرد که برای جنگ با عراق بهم میدارند. پس با سیاست آنان نا درست است سیاست شوروی ولی با سخ درست است که منافع شوروی است که خود سلاحها بش را در رژیم فاشیست عراق بفروشد و در ضمن رومانیستهای اسرائیلی نیز با مدح رژیم جمهوری اسلامی سعی کنند جای پائی برای او باز کنند. "

"موسیالیستی" فلعدا دگر کردن شوروی و افکارش مذبحخانه میخوایند مبارزه و اعتصاب کارگران را معلول نظام به اصطلاح موسیالیستی اروپای شرقی نشان دهند. غافل از اینکه طبقه کارگران این کشورها، درست بر علیه مناسبات سرمایه داری و برای ایجاد نظام موسیالیستی واقعی مبارزه میکنند.

رومانیستهای خاص جهانی که با اصطلاح برای طبقه کارگران اروپای شرقی دلسوزی میکنند، در خدمت امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و بورژوازی نوین چین و در خدمت با فظ امپریالیستی روسیه، عوام فریبانه تلاش میکنند که مبارزات کارگران را بر اساس تئوری ضد خلقی که جهان در جهت اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود به نحوا ف بکشانند. هابوهی دار و دسته های ارتجاعی جهانی بهیچ وجه در خدمت حمایت و تقویت مبارزات کارگری نیست بلکه در جهت تضعیف مبارزات کارگری و دور شدن کارگران از راه رسیدن به موسیالیسم واقعی و افتادن بدو من امپریالیستهای غربی است. کمونیستهای راستین وظیفه دارند ضمن حمایت فعال و همه جانبه از مبارزات کارگری در اروپای شرقی، دستهای دار و دسته های رومانیستی، امپریالیستی و ارتجاعی را افشایند و مبارزه با رژیم بر علیه رومانیسم و موسیالیسم امپریالیستی، امپریالیستهای غربی، خروشچی ها و سرمایه داری های خاص، آنها را طرد نمایند. "

بقیه از صفحه ۸ تعطیلی...

(مانند کردستان، ترکمن صحرا، جنبش کارگری، اول اردیبهشت و...) و هم اقدامات فرمونیستی تو مبار را ترجیح میدهند و بجای تعطیل کردن دانشگاهها بلند، دانشگاهها را زبانشان را دانشجویان را بجای مبارزه انقلابی به لیسیرالیسم و فرمونیسم بکشانند.

رهنمودهای فوق نه تنها به دانشجویان داخل کشور بلکه همچنین به دانشجویان انقلابی خارج از کشور نیز هست. آنان با یستی به مبارزات خود نه تنها حول افشای جنبایات رژیم بر علیه زحمتکشان و خلقها (کردستان و...) بلکه برای افشای جنبایات رژیم در دانشگاهها و بستن دانشگاهها نیز شدت بخشند و به زحمتکشان جهان ماهیت رژیم که میخواندند دانشگاه را ببندها مانعی در آنگاه شدن شده ها ایجاد کنند. را بشناسند.

بقیه از صفحه ۱۱ آمریکا...

دست میزنند. اما کارگران و توده های زحمتکش منطبق و ایران "پسند خوبی" برای امپریالیستها و در اینجا امپریالیسم آمریکا و همه رژیمهای ارتجاعی تدارک دیده اند. آنان شعله انقلاب را فروزا نترخواهند ساخت.

تعطیلی دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی توده‌هاست

دراکثرکشورهای تحت سلطه‌چون کشورما، دانشگاه دربیکاردمکرایتک و فدا میریالیستی خلقها، اهمیت ویژه‌ای میابد. دانشجویان که هنوز به بوروکراسی نظام وابسته بیرون نخورده‌اند حساسترین بخش روشنفکرانته سیاست آنان از اینرواست که از نظر عینی هیچگونه جایگاه افتاده طبقاتی را نیافته‌اند و در عوض ذهنیت آنان بر مبنای ستمگیری بسوی طبقات گوناگون جامعه است که شمیم می کند، مبنای روشنفکران طبقات مختلف به بورژوازی و بسا کارگران تعلق دارند. آنان آئینه تمام نما ی گروه های سیاسی جامعه اند و بدین ترتیب نیروهای انقلابی درون جامعه را بخوبی در درون خود متنگس می کنند. امکان بیشتر دستیابی آنان به دانش و آگاهی دانشگاه را بصورت کارکنان انا عهده آگاهی درمی آوردن گره نیروهای فدا انقلابی نیز در درون دانشگاه همیشه دارای پایگاه بوده‌اند، اما تا ریخه مبارزه پر شور دانشجویان انقلابی بخوبی نشان میدهد که این انقلاب بوده است که دانشگاه را زیر سیطره خود درآورد. در حقیقت با رترین شرایط جامعه، در دل سیاهیهای دیکتاتوری محمدرضا شاه دانشگاه ستاره تابناکی بوده است که یکدم از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع با زنا بیستاد



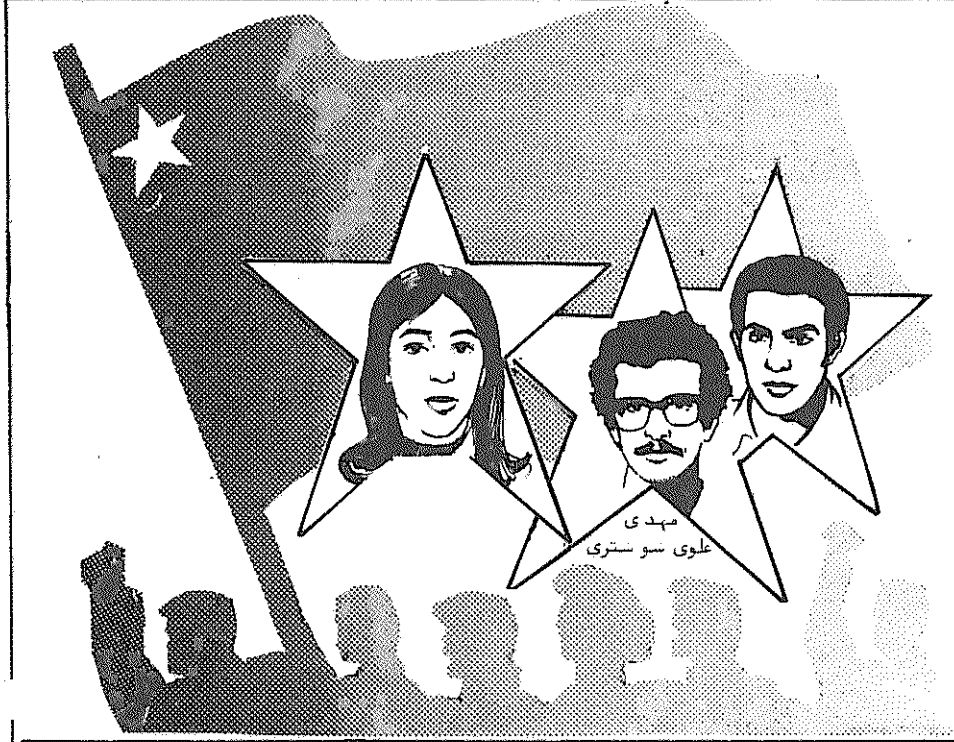
۱- شاه خائن با دانشجویان انقلابی چه میکند؟

رژیم فدا خلقی تا ه دست به تیرباران زندان و شکنجه دانشجویان انقلابی می زد تا شاه پید دانشگاه، ایسنگر مستحکم را درهم کوبد. ساواک اهریمنی خویش را با شما منبرویکار می گرفت تا دانشگاه را به یک لانه پلیدی بدل سازد، بطوریکه سریعاً عناصر مبارز و انقلابی را شناسایی، دستگیر، زندان و تیرباران کند. رژیم فدا خلقی شاهکار دانشگاه را ایجاد کرد تا نظرات دانشجویان انقلابی را درهم کوبد و هرگونه فربا دآزادخواهی را در گلو خفه کند.

رژیم فدا خلقی شاه تهنه تنها حرفه لیت سیاسی را با شکنجه و تیرباران پاسخ میگفت، بلکه مانع از فعالیت های صغی مانند کتابخانه دانشجویی و کوهنوردی و... می شد.

اما با اینهمه دانشگاه، چون رعد در شب تیره می درخشید و ما عقده های آگاهی را بسوی توده ها پتاب می کرد اما عتصابات و نظرات دانشجویی، نظرات خیابانی پخش اعلامیه ها و تراکتها و نیز شرکت فعال دانشجویان انقلابی در جنبش خلق و گروه های سیاسی احترام خاصی به دانشگاه در نزد توده ها می بخشید.

خلقهای قهرمان ما، هرگز خاطر صد ها دانشجوی انقلابی که در راهنا بودی امپریالیسم جنگیدند و خون سرخشان میدانهای تیروسنگرش خیابانها را گلگون کرد، فدا موش نخواهند کرد. مهدی رضا شیا، احمدزاده ها، محمدرضا آخوندیها، محبوبه متحیدن ها و صد هاشید



● خون موذنها، شوشتریها و معتمدیها... نشانه میثاقی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش بسته‌اند

— های میلیونی توده‌ها در یک محل برگزار میشوند. "دانشگاه" و بدینگونه خلق دانشگاه و شهیدانش را باس میداشت.



۲- رژیم جمهوری اسلامی با دانشگاه چه کرده است؟

شاه سرنگون شد و میوه جینان انقلاب از فراز بیکر های خونین هزاران شهید گذشتند و بازش با امپریالیسم بر تخت قدرت نشستند و از زمان آغاز به سرکوب خلق و با زسازی سرمایه داری وابسته برداختند و از زمان آغاز دانشگاه چون کارگران، زحمتکشان و خلقها در امان نماند.

مگر میشود دانشگاه سترگ آزادی باشد، آگاهی را به

میان توده‌ها ببرد و بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بر زمین رژیم جمهوری اسلامی که دشمن آگاهی و آزادی و حافظ منافع امپریالیسم است، با آن کار نداشته باشد؟

نورهای دانشجویی بی اعتبار شد، انجمنهای اسلامی دانشجویی نقش ساواک را در شنا سازی دانشجویان انقلابی ایفا کردند، جای کار رده دانشگاه را چاقا قدران حزب الهی گرفتند که وقتی دانشجویان موفق به دستگیری آنان میشدند کارت کمیته‌ها و بسا هاباداران از جیشان بیرون می آمد! (مانند حادثه دانشگاه فنی که به روزنامه‌ها هم کشیده شد.) دانشجویان انقلابی باز همه زندان افتادند و شلاق خوردند و تضییقات و فشارها فزونی گرفت، از سوی دیگر دانشگاه نیز مانند کردستان از معدود مناطقی بود که رژیم نتوانسته بود دستا وردهای قیام بهمن ۵۷ را در آنجا با زین گیرد و علیه رژیم محدود شدن تدریجی آزادیها و افزایش سرکوب، قلب دانشگاه

دیگر که با دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاه، این گلهای خونین انقلاب در قلب توده‌ها جاودان خواهد ماند. مگر میشود دانشگاه را فراموش کرد، آنزمان که بهشتی‌ها در راه مبارک مشغول زد و بند با سفارتخانه "شاهنشاهی مهر" بودند و با ایران کتاب درسی شاهنشاهی میتوشند و با زرگانها و میتاجی‌ها برای "اعلیحضرت‌ها بیونی" شاه فدا بیت شوم میفرستادند. و آیت‌ها در نرسد بقیاتی مزدور، درس جاسوسی را فرا می گرفتند و بسیاری از "مراجع تقلید" به مجیز - کوئی دربارشاه می مشغول بودند و با حدا کثرت میگردند و فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی یعنی فلاحیها و ظهیرنژادها و با فربها و... مشغول کشتار انقلابیون و خدمت به "شاهنشاهی بزرگ ارتشداران بودند و... دانشجویان انقلابی بجرم عشق به خلق در روی اجاقهای شکنجه‌گاههای کمیته‌ها و وین کتاب می شدند و با آنقدر تلاق میخوردند که بدنشان تکه پاره و خونین و چرکین میشد و روزی نبود که فربا دزدند و با دلق - شان در جلوی جوخه اعدام، بیست رژیم را نلرزاند، نه خلق ما هرگز فربا موش نگر و فربا موش نم‌خواهد کرد و چنین بود که توده‌های مادر نظرات پرشورشان در سال های ۵۷ - ۵۶ هرگا که از جلوی دانشگاه عبور می کردند با شعار "دانشگاه سترگ آزادی است" این دژ آگاهی و مبارزه را باس میداشتند. در سال ۵۷ که شاه مزدور دانشگاه را تعطیل کرد، این توده‌های انقلابی میهن بودند که با مبارزه پرشورشان دانشگاه را بخودند دانشگاهی که ۱۶ آذرها و ۱۳ آبانها آفریده بود، به میعادگا خلق انقلابی بدل شد. از آن پس همه نظرات - ها به یک جا ختم میشد "دانشگاه" و توده‌ها قرارهای انقلابیشان را یکجا می گذاشتند. "دانشگاه" و "میشنگ

دانشگاه این سنگر آزادی باید گشوده گردد!

تعطیلی ...

همچنان بر مدار مبارزات دموکراتیک و جدانگیز با ایستادگی می‌تواند و آزادیهای سیاسی بر حوردا رسد. دانشگاه همچنان بعنوان دژی کهنه‌ساز شده‌ها آگاهی می‌بخشد و آزادی و استقلال میهن دفاع می‌کند و در رژیم ماسی امبرالسم را اقامت می‌نماید، باقی مانده بود و تحمل این برای رژیم که دشمن آگاهی و آزادی بوده‌ها بود تحمل پذیر نبود. یورشهای حزب الهی ها، دستگیری دانشجویان انقلابی، حملات گاه و بیگاه به دانشگاه و اقدامات ارجحی انقلابی دانشجویان کافی نبود و جسی سده که بر ما مدها شانه حزب جمهوری (کدو-سوار) گذاشتی آیت بحوی عیان شده است (در بورس بیست و دانشگاه که دخت عموان انقلاب فرهنگی طرح سند در چهار جوب عمومی خود فوراً مورد پذیرش سنی مدرسی قرار گرفت، در دستور کار سند و عموها اول اردیبهشت آفریده شد، دانشجویان به دفاع از سکر آزادی پرداختند و شان دادند که ما سند همیشه در دفاع از آزادیهای انقلابی با پای جان آماده‌ها شد، بنی مدر و حزب جمهوری فرمان فتح دانشگاه را صادر کردند، چرا که به قول سنی مدر در آنجا فعالیت سیاسی انجام می‌گرفت و مسئله همین جا بود: دانشگاه باید به خون کشیده می‌شد دانشجویان انقلابی سربازان می‌شدند و سنی دانشگاه تعطیل شد، چرا که در دانشگاه نیروهای آگاهی وجود داشتند که از کارگران و زحمکسان دفاع می‌کردند و حمایت رزم در سکردها را از رزمده‌ها هالفا سبب می‌شد. حیا با و ارجله سکر کاران شهید، رفیقهای بهرمان، احمد مودی، مهدی علوی سوسری و مهیار - معتمدی پرور و سربازان کشتند و در روز اول اردیبهشت در روزهای جاودانی حماسه‌ای مبارزانه خلق مایوس چون مودنها، سوسریها و معتمدیها و ... نشانه مبارزاتی است که دانشجویان انقلابی همواره با خلق خویش رساندند

دانشگاه تعطیل شد "انقلاب فرهنگی رژیم کهنه" مسلسل با سداران و قهوجانان و بان حزب الهی جمهوری اسلامی برپا گشت، تنها چاره‌ای بود که رژیم برای سرکوب دانشگاه و نواسته بودید با، او از رژیم ساد آموخته بود که دانشگاه کهنه‌ساز می‌تواند دهان دانشجویان انقلابی را ببندد با ۱۶ آذر ۱۳۰۲ آن با فریاد و نه یقین می‌توان گفت که اول اردیبهشت خونبار و جنایت آمیز تر از ۱۶ آذر ۱۳۰۲ آن و در عین حال حماسه‌ای نوبیدار گشت.

دانشگاه بسته شد، چرا که در آن فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست انجام می‌گرفت. اما در همین سوده‌های ملبوسی نبودند که نگاه طراخ گذاشتن بر مبارزات سیاسی دانشجویان، دانشگاه را سکر آزادی لقب دادند و دانشگاه را به مبارزه گاه مبارزات خویش سیاسی خود بدل ساختند. اوجی که سوده‌ها بردن دانشگاه می‌کند در سدها طره سنی اضا گریهای آگاهی جمعی سیاسی و مبارزات خویش تا بای شهادت دانشجویان انقلابی بوده است. و رژیم سبب شده سنی - سدها رده که مسوا بدبا رندان و کینه و سربازان و تعطیل دانشگاهها را مبارزات انقلابی دانشجویان جلوگیری کند.

دانشگاه به این خاطر بسته شد تا رژیم عم خود مانع آگاه شدن سوده‌ها توسط دانشجویان انقلابی شود و فرصتی نیابد تا با ساسانی که توسط احمقهای اسلامی اردانش -

جویان، اسادان، و کارکنان انقلابی دانشگاه دارد به اخراج آنان مبارز کند و سبب علاوه بر آن در این فرهنگ سیمی سوده منطقی بر فرهنگ ارجحی و وابستگی برای خود برآموس دانشگاه سکر آزادی استقامت بیسن دانشگاه که مولود سیم سمرمانه‌ها ری و اسسه‌ها کمبرجا معبود است تا آموزشی که با زهم در محتوا با این حفظ و بقا سرما بداری و اسسه‌ها سده بود سوسین کند. چرا که در انقلابی آموزش مولود در کوی کامل نظام و ایستادگان در دست سوده‌ها است که آن هم سدها در دولتی برهبری طبقه کارگران پذیراست.



۳- تعطیلی دانشگاه و وظایف دانشجویان انقلابی

دانشگاه بسته شد اما دانشجویان انقلابی رهسار کارخانه‌ها و مراغ سده‌ها در دهها و ساطهای کتاب - فروسی سدها آگاهی در میان سوده‌ها با ساسند، اعلامیه‌ها و سراسرهای انقلابی که دخت سکرده و سنیهای اضا - گرا سنان نشان دادند در مبارزه علیه دشمنان خلق از باقی سنی سسند، اما سدها را این مبارزات سوده‌های انقلابی میهن خوا سار را زدن سنی دانشگاه هستند، آن - ها معتمدند که دانشگاه سکر آزادی است و با سسکر آزادی باقی سماند، دانشجویان انقلابی باید سده‌ها در سوسده مبارزات سنان با سوده‌ها سازهم گوسند، بلکه موظفند سکر آزادی را در دانشگاه با زهم برپا دارند و دانشگاه را با زهم بدوزی مستحکم در سربا امیرالیزم و ارتجاع بدل سازند، دانشگاه با سده‌ها سوده‌ها از این سکرهم با سوده‌ها از رزم خویش کارگران و زحمکسان، سماران کردستان و نرو و سربازان انقلابیون سخن گویند سدن ترتیب مبارز برای بازگشتی دانشگاه با سستی می‌توان جزئی از مبارزات دموکراتیک و سدها میربا لیستی خلقها بمانا انجام گیرد و ارجحیت و سستی سنی سوده‌های زحمکسان میهن بر حوردا رسوده‌ها س راه گذشته از اضا گریهای سازمان های انقلابی و کمونیستی، سازمانهای انقلابی و

دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با کوشش بیشتر در راه با زکشی دانشگاه باید به سبب بر خیزند. ۱- باید سدها سنا گری دلائل ستن دانشگاه برای سوده‌ها و بخصوص کارگران پرداخت، ساقه خونین مبارزاتی دانشگاه را با زکفت و از آنان خواست که به سستی دانشجویان انقلابی برای بازگشت سنی دانشگاه بر خیزند.

۲- گذشته از اضا گریهای وسیع، باید دانشجویان انقلابی را حول این مسئله سازمان داد. دانشجویان انقلابی جدا از سبارزات سنان در تشکیلات مستقل خویش با بد سراسر اقدامات مشخص که مورد توافق همه آن تشکل - ها با سدها سسند، تجربیات کمیته‌ها هنگی اول اردیبهشت سنان داد که در آنجا یک سبرو، مسئله‌ای را سبب سدها اقدامات جدا از کمیته دست خوا هزد این اتحاد، اضا گری سربنا کتیکیهای مشخص مورد قبول طرفین خواهد بود. این اتحاد سنها با سازمانهای انقلابی دانشجویی که دارای توان لازم برای مبارزه نیز هستند یعنی تشکیلهای هوا در رزمندگان، وحدت - انقلابی راه کارگر، اقلیت فدائیان و مجاهدین (در صورتی که در آن شرکت کنند)، خوا هسود.

۳- سازمانهای انقلابی دانشجویی و دانش آموزی م. ل. و دموکرات با سستی دست به مبارزه‌ای پر شور و انقلابی در اضا گری رزم و خفایت بازگشتی دانشگاه بزنند. بخش اعلامیه، نظرات، تحمن و ... با هم مبارزه انقلابی منطبق با سراط مشخص جا مع می‌توانند در دستور قرار گیرد. در اینجا با سستی با سبدهای "مبارزه" تیرالی و رزمیونیستی مرز بندی سوده‌ها اضا و طرد لیبیرالها و رزمیونیست - های سجهانی، سوده‌ای وفدائی (اکثریت) پرداخت و کوسید تانیر و های منززل بینابینی را بماند. ما هدین خلق هر چه بیشتر به مغوف مبارزه انقلابی گشته، باید به سوده‌های طرفدار ما هدین خلق نشان داد که هر چه لیبیرالها مخالف تعطیل دانشگاه هستند و بجای سرکوب مستقیم، هم سرکوب را در جانی که لازم بداند بقیه در صفحه ۶

دانشگاه را می‌بندند، زندانها را پر می‌کنند، دانشجویان را می‌کشند

خلقهای قهرمان ایران!

بیاد می‌آورد حقد رفریاد کشیدید: دانشگاه سکر آزادی است! این سکرراد سمنان آزادی تعطیل کرده‌اند. بیاد می‌آورد در زمان شاه خائن، مبارزات دانشجویان انقلابی هرگز خاموش نشد! جمهوری اسلامی می‌خواهد سعله بر فرور این مبارزات را خاموش کند. بیاد می‌آورد، ما دانشجویان را می‌گرفت، شکنجه میداد، میکشت! جمهوری اسلامی زندانها را، برزاد دانشجویان انقلابی کرده است و ما می‌نیست که چند دانشجوی مبارز را به جرم سنی به زحمکشان شیربان نکند. ... آری، خلق ما بیاد می‌آورد که دانشجویان انقلابی در راه آگاه کردن سوده‌ها از جان خود نیز کد سته‌اند و اینک رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آگاهی سوده‌ها، دانشگاهها را بسته است. برای خفه کردن آزادی به سکر آزادی حمله کرده است. اما به همت سوده‌ها، دانشگاه همچنان سکر آزادی خواهد بود.

تعطیل دانشگاه نشانه وحشت از آگاهی سوده‌هاست
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

ادامه اطلاعیه وحدت از شماره قبل

توضیح: همانطور که در شماره قبل بیکار نیز اشاره کردیم، ما بدلیل کمبود دادن به انعکاس وحدت سازمان با گروهها و محافل کمونیستی و برخی مشکلات دیگر، در اعلام برخی از وحدتیه‌ها مدت زیادی نیز از آن میگذرد که کوناهای نمودیم. ما ضمن استفاده از این مسئله، اعلام وحدت این گروهها را (علیرغم نده مدتی از زمان آن میگذرد) گامی مثبت در جهت تقویت روحیه وحدت طلبی در جنبش کمونیستی ایران دانسته و از این پس می‌کوشیم اطلاعیه‌های وحدت را در اولین فرصت در سکا درج کنیم.



اطلاعیه وحدت با:

۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان

۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجوی"

۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست (درک)"

۴- بخشی از مبارزین طبقه کارگر (هسته مقاومت ۳)

۲- اطلاعیه وحدت بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجوی"

هموطنان مبارز! انقلاب بیون کمونیست!

هم اکنون بیش از دوسال از آغاز شکل گیری و حرکت گروه "کارگر-دهقان-دانشجو" میگذرد. گروه در اوایل ۵۶ فعالیت خود را با انتشار اعلامیه‌های تهنیتی و تبلیغی علیه حکومت دست نشانده شاه آغاز کرد. پس از قیام ۲۲م بهمن و سرنگونی سلطنت، همراهِ بارش جنبش توده‌ای در ابعاد انکال تا زهر تر... بیداری توده‌های وسیع مردم و گسترش حرکات و مبارزات خودبخودی آنها در زمینه‌های گوناگون، وجود شرایط نیمه دموکراتیک بعد از قیام - اضمحلال دستگاه مبنی ساواک و اقبال روشنفکران - ان مبارزه با رونق فعالیت درگروه - های انقلابی کمونیستی. دامنه فعالیت گروه تا حدی وسیعتر شده و قادر میگردند که در سطح منطقه (شیراز) به بخش اعلامیه، تراکت و جزوات تبلیغی و ترویجی بپردازد.

از آنجا که سال ۵۸، گروه به منظور انعکاس مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان منطقه فارس دست به انتشار خبرنامه‌ای میزد که ۹ شماره آن منتشر گردید. ما تلاش داشتیم که در شرایط عدم حضور شکل‌های کمونیستی در منطقه در حد توان در جهت ارتقاء آگاهی توده‌ها، شکل سازماندهی آنها و قرار گرفتن در متن مبارزات آنها، گامی هر چند کوچک در جهت رهائی کارگر - ان و زحمتکشان میهنمان از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری داشته برداریم. ما سعی به بخش بسیار کوچکی از جنبش کمونیستی میهنمان برای اصل داریم که امرها را در خلق از یوغ امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه داری وابسته، تنها و تنها تحت رهبری پرولتاریا و با

ایجاد دستاورد زنده و سازمان سیاسی این طبقه یعنی حزب کمونیست و حرکت مستقل این طبقه عملی خواهد شد.

از این رو در حالیکه ما بیداری و شکل گیری گروهها و محافل مارکسیست - لنینیستی و حرکت گروهی مستقل آنها را در سر تا سر ایران و برای یک دوره و در مسیر انقلاب دموکراتیک ایران تلقی میکنیم، اما در عین حال اعتقاد داریم که ضرورت این دوره تاریخی مدتهاست که بسوی مدهو جایی خود را به ضرورت نویسنده تری، یعنی وحدت جنبش کمونیستی

بمنا به اولین سنگ بنای ایجاد دحزب کمونیست داده است. زمینه عینی جنبش ضروری را امروزه بسوی مباحث در شرایط کنونی جامعه که بسیار متحول و پیچیده است، در گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی در انکال گوناگون، در دستاورد بحران اقتصادی و لاعلاجی آن در چهار - چوب مناسبات حاکم بر جامعه و سیاستهای ضد طبقی حاکم بر توانایی حیات در حل بحران اقتصادی و اجتماعی و انکال سیاستهای سرکوب و بالنتیجه سرخوردگی توده های مردم از حاکم و مطرح شدن تق بختیا در ذهن آنها تا کمونیستها و نیرو های مترقی دیگر، بود عدم گفتگویی جنبش کمونیستی در پاسخگویی به انبوه مسائل

انقلاب کمونیستی جستجو کرد. انعکاس این ضرورت در سیاست و شکل کار گروهها و سازمانهای درون جنبش کمونیستی در شکل خرد کار رهیابا، نایگیری، اگونومیس و لبرالیسم و فقدان یک برنامه وسواس (حتی کوتاه مدت) بروز کرده است. در حالیکه وضعیت جامعه در روند تحولی خود روز بروز پیچیده تر میگردد، در حالیکه مواج مبارزات خودبخودی توده های مردم هر روز از گرانهای سر میگذرد. در حالیکه مبارزه طبقاتی انکال تازه ترو نویسنده تری بخود گرفته است و در زمانیکه توده ها روز بروز به حیات حاکمیتی اعتقاد در میشوند، جنبش کمونیستی در همان شکل پراکنده و مشتت خود و در همان انکال سازمانی ابتدائی محلی و منطقه‌ای و محلی خود و محصور در قلعه‌های مناقع

گروهها را نه این نمیوانست و نمیتواند همراهِ همگامی با این تحولات حرکت کند. گروه ما نیز سمانا به جز کوچکی از این جنبش نمیتوانست است از برضربه های وانعیت تلخ و اسفاک این سراکنندگی در روبروئی با انبوه مسائل و مشکلاتی که از سوئی یک برنامه وسواس انقلابی مینسی بر سحلیل مشخص از شرایط متکامل - ترجا معرا میطلبد و از سوی دیگر بهر باطل بر روابط محلی اجتناب نپذیرد و شکل کار محلی و منطقه‌ای میزده است، بدوریا نند.

بحدت وحدت در گروه ما تحت فشار این واقعیات و این ضرورت نویسنده، از مدتها پیش جریان یافت. از همان ابتدا دو خط فکری در این رابطه مشخص گشت. هر چند که گروه با امکانات و توانائی حسابی محدود و روابط محلی حاکم بر آن قادر به سازماندهی یک مبارزه ایدئولوژیک و اصولی و بیکراننده منظور دست با بی به صحیح ترین راه حل، با اتحاد تصمیم آگاهانه و اصولی همراهِ برای تعمیق شناخت آنها از مسائل جنبش کمونیستی نبود، اما در همان چهار چوب روابط و در حیطه توان تئوریک و درک معرفتی مجموعا اعضا، مبارزه ایدئولوژیک بر سر این دو خط وحدت با "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" و با پذیرفتن این طرح "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" ادامه یافت و سرانجام بخشی از رفا و وحدت با "سازمان بیکار" را بسبب لحاظ همگونی ایدئولوژیک - سیاسی و سوابق مبارزاتی آن سازمان پذیرفته و بخشی دیگر از رفا طرح "وحدت انقلابی" را بدلیل محوری دانستن امر وحدت جنبش کمونیستی پذیرفتند.

از این رو ما با بیان کار گروه "کارگر - دهقان - دانشجو" را اعلام میکنیم. با این امید که هر یک از این پس راه سرخ انقلاب خواهد داد.

به امید پیروزی! فترده تریا به موف جنبش کمونیستی! پیش سوی وحدت جنبش کمونیستی! پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر سراسری! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

۵۹/۲/۲۶

۳- اطلاعیه وحدت "گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" (درک)

"گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست"

"گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" بدنبال انحصاری در "گروه اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"، (م) بر پایه نقد و پورتو نویسنده رایست حاکم در "گروه اتحاد..." و جنبش سیاسی خارج از کشور و حمایت از جنبش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق در دیماه ۱۳۵۵ بوجود آمد. این گروه بر اساس اصول مشی غیر پرولتاری جریکی حاکم بر بخش منسحب و "تزیینت جبهه" به مدت دوسال در موضع پشت جبهه این سازمان قرار گرفت. اگر چه بدستی گروه به مرز بندی با پورتو نویسنده است پرداخت. اگر چه سبگیری رفقای ما به سمت بخش منسحب از مضمونی انقلابی برخورد را رسد، لیکن با یاد دادن دانست که گروه خود به انحراف پورتو نویسنده چپ در غلشتید. ما به دفاع از منی مبارزه مسلحا نه جدا از توده پراخته و در مناسبات پشت جبهه‌ای در رابطه با اساسی ترین وظیفه کمونیستها در قبال طبقه کارگر به انفعال دچار گشتیم. البته ما گفته نماد که در این دوران ما در رای دستا ورده‌ای نیز بودیم که از آن جمله با بد از مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک علیه دیدگاههای راست و ارتقاء سطح جنبش دانشجویی سازماندهی مبارزات دانشجویی علیه ارتقاء و امپریالیسم، ارتقاء مکرانیم و افشای بورژوازی لیبرال و لیبرالیسم مبارزه علیه رولتو نویسنده، نزارتعا عی "سه جهان" و سوسال امپریالیسم شوروی، مبارزه

(*) - بعد از انستاب گروه ما، بخش با می - ما نده "گروه اتحاد..." بر پایه مشی اپورتو نویسنده خود به مراد متعفن رولتو نویسنده به جهائی در غلشتید. این بخش با خیانت کامل خود به نیروئی ضد انقلابی و به توکر بیعت و اپورتو از ی تبدیل گردید

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

علیه ایورتونیسیم راست در خارج از کشور فعالیت انتقاراتی و ترجمه‌ای و... نام برد.

پس از یک سال و نیم از زندگی سیاسی گروه، در زمانیکه جنبش سیاسی توده‌ای در سطح جامعه بعد از اقامت با فتنه و شکست مئی چریکی در عرصه تئوریک و پراتیک وضوح پیدا کرده بود، در زمانیکه بخش ما رگسیتی لنینستی سازمان مجاهدین خلق دچار تغییر و تحولات نویسی شده و مئی انحرافی چریکی حاکم بر آن نفی گردیده، عمق انحرافات سیاسی گذشته این سازمان بر ملا گشته و رهبری سابق طرد شده بود و نیز در زمانیکه در اعتقاد نسبت به "پشت جبهه" که به معنای نقطه اتکاء گروه بود شکاف افتاده بود، برینا مکی گروه دامن با فتنه و دورنمای روشنی وجود داشت، بحران عمومی گروه گسترش یافته و مبارزه طبقاتی در جامعه پیش از هر زمان دیگری مطلقیت پیدا کرده و بر اساس انتقاد گذشته خود، مشخص کردن شی نوین و برینا مکی مبارزه‌ای خود، بطور فعال در آن شرکت جوید، لیکن رهبری گروه‌ها توان از این سطح گویی به این امر بود. روشن است که چنین شرایطی نمی توانست به اعترافات و تناقضات پیچیده - ندررونی نیانجامد. در این هنگام شگافهای انتساب در گروه پیدا رگست. "نست" آذرماه ۱۳۵۷ گروه بمظور بررسی اوضاع درونی گروه و چاره جویی برای خروج از بحران با شرکت نمایندگان گروه فرا خوانده شدند و در همین هنگام منظر مسلط رهبری از موضع استیلاسی و ایورتونیسیتی تشکیلات را رها نمود و قرار کرد. در این نشست یک گرایش انحلال طلبانه و پواسیفیستی بروز نمود، گرایشی که بدینال نف غیردیلکتیک مئی چریکی و تزیت جبهه و نیز خنده شدن مائتسم گذشته اش، انحلال گروه را مطرح میساخت بر اساس این نگرش را ستروانسه و ایورتونیسیتی نمایندگان و حامین این گرایش سیاسی - ایدئولوژیک انتساب نمود. و گروه را ترک گفتند.

در برابر این پاسخ انحلال طلبانه، بخش اکثریت رفقای گروه بر حفظ تشکیلات، ضرورت انتقال گروه به ایران و شرکت متشکل و فعال در مبارزه طبقاتی تا کید دانند. این دیدگاه مطرح می ساخت برای استقرار گروه در مواضع جدیدی با بست مئی چریکی و تزیت جبهه و انحرافات ایدئولوژیک گروه به نفع کمونیستی کشیده شود و بر اساس آن مواضع و خط مئی و جایگاه آینده گروه در دنیا روشن کرد. در ایران در شرایطی که رفقای گروه

با تحولات نویسی مواجه گشته بودند و فاقد شناخت لازم از مجموعه شکلات جنبش کمونیستی بودند و نیز در جنبش منسحب انتساباتی به وقوع پیوسته بود، مستگیری و احکام و نسبت به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پرسش و رفت و در همین شرایط که در گروه مبارزه ایدئولوژیک گسترده ای علیه مئی گذشته و انحلال طلبی صورت نگرفته بود و جمع بندی واحدی ارائه نگشته بود و گرایش انحرافی یک گرایش ادغامی "در سازمان پیکار" دیگری گرایش ایدئولوژیکی استقلال - طلبی "بوجود آمد. وجه اشتراک این دو گرایش نفی دوران انتقالی بود، دورانی که در طی آن گروه بتواند با اتکاء به مبارزه ایدئولوژیک مئی و دورنمای جدید خود را مشخص سازد. این دو گرایش طی مبارزه درونی تصحیح گردید.

نشست دوم گروه در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ طرح "دوران انتقالی" را تصویب کرد. این نشست در عین تاکید بر ترکیب فعال در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه مضمون این دوران گذار را مبارزه ایدئولوژیک علیه ریشه های انحرافات موجود، بر رسی وضعیت جنبش کمونیستی و نیروهای آن و در نهایت تعیین مئی و مواضع و جایگاه گروه در جنبش منسحب نمود. گروه در صبر این حرکت قرار گرفت در طی این دوران انحرافات مختلف از جمله گرایش "جیت" و تفکرانه ایورتونیسیتی ظهور یافت این گرایش بانگرشی روشنفکرانه به نفی مرز بندیهای اولیه در جنبش کمونیستی پرداخته، به مطلق کردن ضعفهای جنبش دست زده و حرکت وحدت طلبانه رانسی می نمود. این گرایش که در آنحصر اف ایورتونیسیتی خود انحصار یافته بود، در چهارمین نشست گروه در آبان ۵۸، مورد تجزیه قرار گرفت.

در طول این دوران گروه با توجه به توان محدود خود به دستاوردهای مهمی رسید: فعالیت در میان کارگران، پیکاران رتبا زحمتکش و دانشجویان، بیستسرد مبارزه ایدئولوژیک و شناخت از جنبش کمونیستی و نیروهای آن، شرکت در حمل معطلات جنبش، تدوین و ارائه جمع بندی از گذشته گروه، فعالیت ترجمه ای و همکاری نزدیک با سازمان پیکار... از جمله دستاوردهای گروه بود.

بر اساس این دستاوردها و مئی و موازین نوین گروه بود که در نشست تعیین تکلیف گروه، مستگیری سیاسی ایدئولوژیک به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بر مبنای سازمانی که گرایش پراولتری بر آن غالب است مورد تاکید قرار گرفت و ضرورت ادغام با این سازمان به تمویب

رسید. وحدت سیاسی ایدئولوژیک ما برسر این میانی استوار بود: جا کمیت سرمایه - داری وابسته، مرحله انقلاب، ماهیت قدرت سیاسی حاکم و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر، دیدگاه متریک در مورد وحدت جنبش کمونیستی، مرز بندی با رژیونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی و حزب توده همزمان با گرایش شوروی مرز بندی با رژیونیسیم چینی و ششز ارتجاعی "سه چیان"، مرز بندی با مئی غیر پرولتری چریکی، مرز بندی با تروتسکیسم، رده نوا شتلافی و انحلال طلبانه شکل دانشجویان مبارز و توافقی بر سر نما رگسیتی شکل دانشجویان ما رگسیت لنینستی، بر اساس این وحدت سیاسی ایدئولوژیک و وحدت تشکیلاتی ادغام تشکیلاتی در دستور قرار گرفت و رفقای گروه در ارتباط با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرار گرفت و با زمان ندهی مناسب انجا پذیرفت حرکت مبارزه جویانه ما در راه این وحدت و تحقق آن با اجازت دادنا توان محدود خود را در چرخه ایوب یک سازمان کمونیستی فعال شرکت داده و بدین ترتیب کامرچند بسیار کوچک، در راه وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر ایران برداریم.

پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پنجم ماه ۱۳۵۸
اطلاعیه وحدت بخشی از مبارزین طبقه کارگر (هسته مقاومت ۳)
بعد از دستگیری تعداد زیادی از رفقای هوادار "زمان خلق" تعدادی از رفقای که دستگیر نشده بودند به فعالیت خود همچنان ادامه دادند. بعد از یکسال، در سال ۱۳۵۲ از تجمع این رفقا محفل چریکی ما با امکانات محدود شکل گرفت در او خرسال ۵۵ برخی از رفقای ما با رفقای "گروه مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر" در ارتباط قرار گرفتند و طی بحثهایی خط جدیدی در درون محفل مطرح گردید. مضمون خط جدید بر اساس رد و نقد مئی چریکی، مرز بندی با حزب توده و ضرورت بیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر بود. بیرو این خط جدید تعدادی از رفقا به فعالیت در کارخانه مشغول شدند. در زمستان ۵۷ محفل به اسم "هسته مقاومت ۳" اعلام وجود دست کرد. در این هنگام هسته های دیگری مانند هسته های مقاومت ۱ و ۲ نیز بودند. هسته های

مقاومت در واقع یک طرح اشتلافی بود که به اقتضای وحدت ایدئولوژیک، وحدت تشکیلاتی را با توجه ضرورت مخفی کاری ضرورت یافته، مرقا به ایجاد در این طریق رهبری بسته می نمود. بر اساس طرح تشکیلاتی موجود، هسته های مقاومت ۱ و ۲ بر مبنای وحدت ایدئولوژیک سیاسی خود از گانال رهبری با یکدیگر ارتباط پیدا میکردند.

در تابستان سال ۵۸ در انتقاد به اوضاع تشکیلاتی انتقادات درون گروهی شروع گردید. در این موقع رفقای پایه از مرکزیت میخواستند تا "هسته مقاومت ۲" در برابر مسائل حاد سیاسی - ایدئولوژیک جنبش موضع گیری نموده و موضع خود را در برابر این مسئله روشن سازد. در چنین شرایطی که مبارزه ایدئولوژیک گسترش یافته و معضلات درون گروهی حل نشده بود، رهبری، وحدت با دو محفل دیگر را در دستور قرار داد و گروه جدیدی به اسم "مبارزین طبقه کارگر" بوجود آمد. اما از آنجا که اختلافات با (هسته مقاومت ۲) با مرکزیت حل نگشته بود و از آنجا که وحدت با دو محفل دیگر بدون اطلاع اعضای هسته صورت گرفته و مبارزه ایدئولوژیک انجام نگرفته بود، ما این حرکت رهبری را نادرست و ایورتونیسیتی تلقی نمودیم. بر پایه این انتقادات ما (هسته مقاومت ۳) پس از ۳ ماه از تشکیل گروه "مبارزین طبقه کارگر" از این گروه و رهبری آن انتساب کردیم.

بعد از انتسابات بین رفقای مادر بر وجود تهران کمیته هما هنگی بوجود آمد. این کمیته با جمع بندی از تجارب گذشته و با تحلیل مشخص اوضاع جنبش کمونیستی اعلام موجودیت را نفی کرده و تشکیل گروه جدید را درست ارزیابی نمود. زیرا در شرایطی که اختلافات قابل توجهی با برخی از جریانهای جنبش کمونیستی وجود ندارد، تشکیل گروه جدید گامی در جهت منافع جنبش کمونیستی نبوده و نتیجه آن جدا من زدن به ششست ویرا کندگی چیز دیگری نیست. با توجه به این تحلیل، رفقای ما ضمن شرکت در مبارزات جاری و پیشبرد وظایف خویش کمیته هما هنگی، هم خود را مصروف امر وحدت نمود. در طی یک روند، پس از بررسی مواضع نیروهای جنبش کمونیستی، سازمان پیکار را نزدیکترین نیرو نسبت به خود تشخیص داد و بعد از دو ماه مبارزه ایدئولوژیک و توافقی، در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ادغام گشتیم. پیش سوی وحدت جنبش کمونیستی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آمریکا به خلقهای منطقه جنگ و دندان نشان میدهد، اما...

در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس امپریالیسم آمریکا به فعالیت شدید دست زده است. علت این شدید فعالیت از دو جهت قابل توضیح است:

۱- رند جنبش های انقلابی، منزلزل بودن رژیم های ارتجاعی و به خطر افتادن منافع غارتگرانه آمریکا، این کشور را بر آن میدارند تا پیش از هر زمان دیگر برای مقابله و سرکوب انقلاب به تدارک همه جانبه دست بزنند.

۲- سوسیال امپریالیسم شوروی میگوید تا در راه تامین منافع امپریالیستی خود به نفوذ گسترده تری دست بزنند، این امر امپریالیسم آمریکا را وامیدارد تا به رقابت بیشتری با شوروی بپردازد.

برای توضیح بیشتر این مسائل به توضیح مختصر سیر حرکت امپریالیسم های نکی در این منطقه از جهات در دوره اخیر می پردازیم:

درواقع خارج شدن نیروهای نظامی امپریالیسم انگلیس از عدن در سال ۱۹۶۷، سقوط امپراطوری استوپی در سال ۱۹۷۴، سرنگونی رژیم سرسپرده شاه در فوریه ۱۹۷۹، اشغال افغانستان توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و دریک برآیند عمومی برآورد جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شاهی شاهنشاهی ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند علیهذا امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هم ریختن نظامها و هتاهتا که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنیود موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رهایی نکی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش رنقشی را با زنی نمیکند، بعلاوه رشد و تدارک و جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

در مورد اقدامات امپریالیسم آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد: با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت پایگاه نظامی - استراتژیک دیگوگارسیا (در اقیانوس هند) پرداخت و حضور نیروهای تجا و وزی دریایی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس فعالتر نمود. در حال حاضر ۳۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می باشند. بعلاوه آمریکا یک سلسله مرا ردا ده ای نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبقه قرار دادی با قایوس سلطان عمان، آمریکا امکان

توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و دریک برآیند عمومی برآورد جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شاهی شاهنشاهی ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند علیهذا امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هم ریختن نظامها و هتاهتا که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنیود موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رهایی نکی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش رنقشی را با زنی نمیکند، بعلاوه رشد و تدارک و جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

در مورد اقدامات امپریالیسم آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد: با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت پایگاه نظامی - استراتژیک دیگوگارسیا (در اقیانوس هند) پرداخت و حضور نیروهای تجا و وزی دریایی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس فعالتر نمود. در حال حاضر ۳۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می باشند. بعلاوه آمریکا یک سلسله مرا ردا ده ای نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبقه قرار دادی با قایوس سلطان عمان، آمریکا امکان

توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و دریک برآیند عمومی برآورد جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شاهی شاهنشاهی ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند علیهذا امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هم ریختن نظامها و هتاهتا که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنیود موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رهایی نکی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش رنقشی را با زنی نمیکند، بعلاوه رشد و تدارک و جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

در مورد اقدامات امپریالیسم آمریکا منجمله به این موارد میتوان اشاره کرد: با توجه به تحولات منطقه آمریکا به تقویت پایگاه نظامی - استراتژیک دیگوگارسیا (در اقیانوس هند) پرداخت و حضور نیروهای تجا و وزی دریایی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس فعالتر نمود. در حال حاضر ۳۲ کشتی جنگی آمریکا در آبهای این منطقه در رفت و آمد می باشند. بعلاوه آمریکا یک سلسله مرا ردا ده ای نظامی با رژیمهای منطقه منعقد نمود: در ژوئن ۱۹۸۰ طبقه قرار دادی با قایوس سلطان عمان، آمریکا امکان

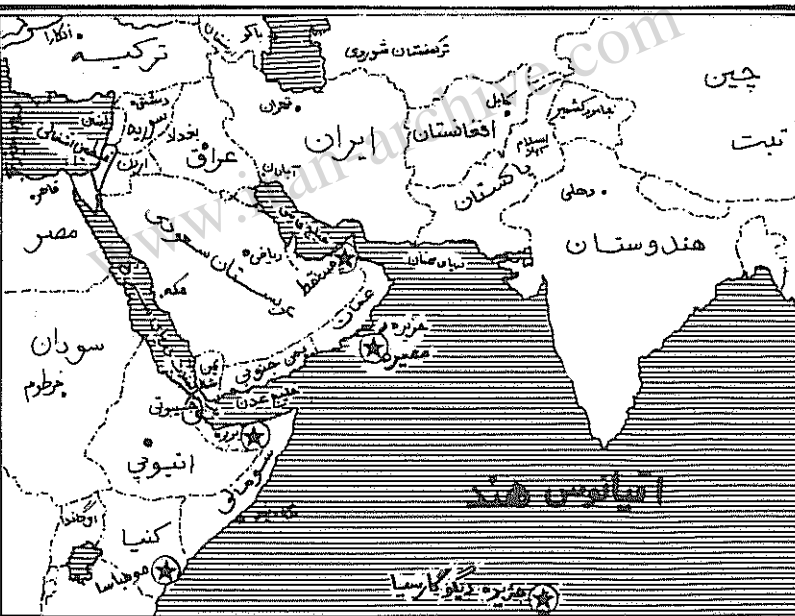
توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و دریک برآیند عمومی برآورد جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شاهی شاهنشاهی ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند علیهذا امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هم ریختن نظامها و هتاهتا که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنیود موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رهایی نکی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش رنقشی را با زنی نمیکند، بعلاوه رشد و تدارک و جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

توسط نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و دریک برآیند عمومی برآورد جنبش خلقها و تدارک در منطقه، امپریالیسم خونخوار آمریکا را به فعالیت گسترده ای جهت تحکیم موقعیت خود در این منطقه سوق داد. سرنگونی رژیم وابسته و آمریکا شاهی شاهنشاهی ایران به موقعیت آمریکا در جمهوری اسلامی براساس ماهیت خود نمیخواند علیهذا امپریالیسم آمریکا واقعا به مبارزه برخیزد، اما به هم ریختن نظامها و هتاهتا که کاملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بنیود موقعیت فائقه آمریکا را در ایران شدیداً منزلزل ساخت. رژیم شاه زاندا رهایی نکی ها در منطقه بود حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت ارتجاعی خود دیگر جنبش رنقشی را با زنی نمیکند، بعلاوه رشد و تدارک و جنبش و انقلاب در منطقه و بخصوص ایران و حرکت توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم که بطور بسیار خود را در اشغال افغانستان نشان داد آمریکا را واداشت تا به تجهیزات نظامی وسیعی دست بزنند.

۱- پایگاه های در حومه فراه که در حال حاضر ۱۲ تکیاری بمب افکن اف ۴ آمریکا شای در آنجا مستقر شده اند.
۲- پایگاه نظامی "غنا" در کنار رود نیل (دره ۴۵ کیلومتری فراه) این پایگاه محل استقرار هواپیما های مجهز به رادار "واکس" می باشد.
۳- پایگاه نظامی "راس بنان" که در کنار دریای سرخ می باشد. آمریکا در پی آن است تا این پایگاه را به محل فرود بمب افکنهای استراتژیکی "ب ۵۲" و هواپیما های آذوقه رسان غول بیکر (ک ۱۳۵) تبدیل نماید.
در کنار این اقدامات استراتژیک اگر به تقویت روز افزون رژیمهای مزدور پاکستان و اسرائیل و نیروهای ارتجاعی لبنان توسط امپریالیسم آمریکا از یک سو و به تاور نیروهای بیمان تجا و زکا را نه تنها تاور مدیترانه شرقی در پیای سیاه، انجام کودتای اخیر در ترکیه و تقویت نیروهای مزدور مانند تاد ویسی و یالیزبان و باند بختیار در ایران از سوی دیگر توجه کنیم بعدا حرکت امپریالیسم آمریکا مشخص تر میگردد، امپریالیسم آمریکا از اواج گیری انقلاب در ایران به شدت هراسان است. می گوشتنا قدرت و موقعیت فائقه مستحکم خود را در ایران دوباره بدست آورده و برای این منظور اقدامات سرکوب گرانه هتاهتا که آمریکا بران علیه خلقها و زحمتکشان این کشور را به اقدامات مستقیم با تدهای سرسپرده بسوند میزند، آمریکا در عین حال میگوید مناسبات خود را با ایران با همت رژیم جمهوری اسلامی "بهبود" بخشد، از طریق باند های اویسی و بختیار روا رتنش تا هتاهتا هی اسلاد آورده نیز عمل میکند. کودتای نکست خورده اخیر آمریکا در ایران بیان مشخص جنبش سیاسی میباید امپریالیسم آمریکا منگه شدتسا

بافت تا جزیره "مسیره" و بسا در مسقط یعنی "مسیره" و "سلاسه" را زیر کنترل خود در بریا و در و فرودگاه های "سبب" و "تارما ریت" را مورد استفاده نظامی نیروهای خود قرار دهد. بدنبال این اقدام آمریکا پایگاه های خود را گسترش داد. خط پایگاه های از "مسیره" در (عمان) به مومبای (کنیا) و سپس به بربره (سومالی) رسید و بدنبال آن به مرکشیده میبند.
در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زبانبار" رئیس جمهوری سومالی "قرار داد دولتی با شوروی که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد و بدنبال آن شش هزار کارشناس نظامی و غیر نظامی دسته بود را لغو کرد. و بدنبال آن شش هزار کارشناس نظامی و غیر نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی از

در روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۷ "زبانبار" رئیس جمهور سومالی " قرار داد دولتی با شوروی که از سه سال پیش بسته بود را لغو کرد و بدنبال آن شش هزار کارشناس نظامی و غیر نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی از این کشور بیرون رفته و شوروی تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بربره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد.



شکته تجا و زی خود را در منحصردر برابر انقلاب خلق و در مقابل با امپریالیسم شوروی مستحکم؟ تندور بی آنت تا ایران را به یک سکوی بر قدرت تجا و زی تبدیل نماید. و در این راه با تمام قدرت تلاش میکند و خلاف شعله های شوم ریزیونیستیهای سدهجانی که در پیی بخواب کردن توده ها میباشند امپریالیسم تجا و زی را آمریکا کماکان هار و درنده و متجا وزی باقی مانده است و تا زمانی که حتی یک دندان برایش باقی مانده به تجا و زی علیه خلقها بقیه در صفحه ۶

این کشور بیرون رفته و شوروی تسهیلات نظامی خود را از دست میدهد. اما رژیم نوکر صفت سومالی در مقابل یک "کمک" نظامی چهار صد میلیون دلاری، پایگاه "بربره" را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میدهد. در حال حاضر آمریکا میگوشتنا هر چه سریعتر تجهیزات نظامی خود را در این پایگاه مستقر نماید. بدنبال این اقدامات رژیم خاشان سادات تسهیلات گسترده ای در اختیار آمریکا میگذارد. از جمله این تسهیلات سه پایگاه نظامی میباید:

توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

خطاب به کلیه رقعا، اعضا و هواداران سازمان! «در رابطه با جنگ ایران و عراق»

رقعا جنگ سن رژیم فاشیستی عراق و رژیم جمهوری اسلامی ایران بالا گرفته است. وظیفه کمونیست‌ها در این جنگ عارب است:

- ۱ - اسباب ماهیت بخارگاران، ارتجاعی و غیرعادلانه بودن جنگ و توضیح اینکه این جنگ و ادامه آن از طرف رژیم ایران و عراق، حکمی است علیه طبقه کارگران و کسور.
- ۲ - ضرورت رقعا اهداف ارتجاعی رژیمهای عراق و ایران را از این جنگ کدر و بیانه توضیحی سازمان "و سرد" و آن اهداف، توضیح دهد و ضرورت عدم سرک خودها در این جنگ و قطع جنگ را تبلیغ نمایند.
- ۳ - رقعا باید و بهترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ادامه جنگ ارتجاعی و رژیم و عوامل فئودالی و پاناسیونالیستی که رژیم جمهوری اسلامی ایران جنگ میساید، براه اندازند.
- ۴ - رقعا لازمست در زمینه اخبار و گزارشات مربوط به وضعیت، نتایج و عوارض جنگ ارتجاعی موجود و عکس العمل خود را بیاورد. بویژه در مناطق حکمی بلحاظ انعکاس اخبار دست برای توده ها تلاش نمایند.
- ۵ - رقعا برای آمادگی در مقابل وضعیتی که پیشترتیب، ما را در مقابل یک جنگ داخلی قرار داده، میبایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی و با زماندهی صف مستقل انقلابی و گسترش جنبش انقلابی توده ها تلاش نمایند.

۵ ... منتظرکنیم به توده های حلق که در این جنگ ارتجاعی کتونی در چارصائب تبدیل شده اند، ضروری است، فعالیت نه تمامی امکانات نسبی، دارویی، حفاظتی و کتله اقدامات آمادگی راسیح و در خدمت به توده های زجر کشیده بکار گیرند.

بدون شک این اقدام انقلابی حمایت و امداد، در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبنی بر اسباب اهداف ارتجاعی جنگ کتونی چه از طرف دولت حاکم ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود.

تجدیدی نیست که در سوابقی که توده ها و وسیعاً در تئوهم سمری برند و تحت تبلیغات وسیع شورشیستی شوررواری حاکم و روبریونینسهای حاد م آنها، برای تبدیل شدن به سنگ آسباب این جنگ غیر عادلانه تبدیل او در سطح گسسته ای تعریف شده اند. انجام وظایف فوق بطور تاکتیکي در سراسر ایران و در جهت حکم بنا کردن خلاف جهت آب رادارد. اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع تاریخی و وطنی طبقه کارگر و توده ها حرکت نکنیم (و نه از موضع وضع فعلی آگاهی و تئوهم آنها) آنگاه در خواهم یافت که گاه باید ببول رفیق استالین، از یک "گامیسی تاکتیکي" در جهت تبدیل آوردن یک "گامیسی استراتژیکي" جسم سوسی نمود و این بحاطر است که این گامیسی استراتژیک، "مد هون" نکرد!

نوطنه های امپریالیزم آمریکا و جنگ ارتجاعی کتونی را محکوم کنیم!
جنگ تحمیلی ارتجاعی را به حکم علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۲

اعلام شماره ۹۷

بعینه از صفحه ۲ جنگ غیر عادلانه ...
اراییکه مبارزات این توده ها علیه رژیمهای ارتجاعی خودشان سخت گیری کند، خلوصی نماید. واضح است که جنبش سیاسی نمی توانست در کمالات خود بدرستی - های مسلحانه و جنگ استکا رسیانجام دهد. رژیم های ارتجاعی ایران و عراق از طریق این جنگ در مسیحا میگویند ما مع ارتجاعی خود را در منطقه ناممکن سازند بلکه علاوه بر این و پیچیدگی آن میگویند ما سولسد ایجاد این جنگ حد انقلابی با مبارزات انقلابی در هر دو کشور بما بگذرید. واضح است که در سراسر این سیاست ارتجاعی رژیم های دو کشور، امپریالیستهای مختلف و پیروان امپریالیسم امپریالیسم امپریالیسم روس میگویند ما را آب گل آلود ما می گزیند و علاوه بر سرکوب انقلاب در این دو کشور در مسیحا منطقه (بسطر کودمائی آمریکائی در سرکوبه و اسفال افساسان نوطر روسیه و ...) به رقعا امپریالیستی سن خود بر دادمه و پیوسته خود را ایران دیگری و سر علسه طبقه در منطقه سوسه محمد.

کمونیستها باید با فاطمی تمام این جنگ ارتجاعی را که هدف خود را مقابل با جنبش انقلابی درد و جامعه ایران و عراق و حرکت روبریوند آن قرار داده است، محکوم نموده و با جدیت تمام از حمایت انقلاب و گسترش جنبش توده ای در این دو کشور فاع نمایند.

بسیار است واضح است که سرکوب در این جنگ بهیانه دفاع از "میهن" میسوا بجبری خریاناست و جنبش و انقلاب خلقهای دو کشور و خدمت به شوررواری امپریالیسم با دو زخمیس روموم کمونیست‌ها در مقابل چنین جنگ غیر عادلانه، نتاج و کاروانه و ارتجاعی ای، همانا محکوم نمودن آن و رژیمهای ضد انقلابی هر دو کشور است.
در این جنگ، هرگونه مومع سانسرسیستی، سسر کتوبه عدم مومعگیری نسبت به یکی از رژیمهای ارتجاعی به اسم "اتحاد نکتیکي" و اراس نسیل، همانا حمایت به انقلاب و کمک به ارتجاع و شوررواری خودی در سرکوب انقلاب است.

سفاری که امروزه ما مسروهای انقلابی و در اراس آنها کمونیستها با فساد حمایت کرد و همپا ن سوده های مردم میبرند، سمار خرمیست این جنگ تحمیلی و ارتجاعی و تبدیل آن به یک جنگ عادلانه علیه رژیمهای ارتجاعی در یک مرکز جنگ و در منطقه است.
کمونیستها و انقلابیون تا بدستیمان سوده ها رسند و اهداف واقعی هر دو رژیم را که در بوس لفظی حمایت بر آب و روک و کلمات "انقلابی" سوسیستی ادا مسود رسوا کرده و آورده ها بخواهد که بجای گرفتن سلاح بر روی یکدیگر اسلح را در مقابل حکومتهای ارتجاعی خود بگیرند.

واضح است که عملی شدن این شعار را صورت یک سه رسیلیستی و سوسیجی صورت یک شعار واقعی، به سنیج حسن سوده ای در اراس دو کشور و تمسب عمومی انقلاب در آنها و با بخشهای اراس مربوط است. اگر سوده ها در مناطق سواستی سواد که به هر دو سرکوبن سلاح سی برده و حاضر سوا این کار با سنا، واضح است که سدون

انقلابی است شعارها عملی گردد. حال آنکه در مناطقی که سوده ها شور و خروش و جوسا وری نسبت به اهداف سوسیستی و لفظی های "انقلابی" رژیمهای ارتجاعی خود هستند. دست بردن به سلاح میسوا بدستوان یک عمل موزی درد شورورور تر اکر سوده ها در یک طرف و سار مادی حسن انقلابی سوده ای در اراس مناطق بر داحت. اگر عمل مسلحانه، خارج از سطح حسن سوده ای و جلوسرا آن صورت گیرد، اس عمل در حکم یک عمل جدا ارسوده سوده و سحر بردکت حسن خواهد شد. در حالیکه بر عکس، هرگونه جوسا وری نسبت به رژیم جمهوری

اسلامی و هرگونه حمایت "مدا امپریالیستی یا "فلسفی" برای آن فاشل شدن، سیر خور دی را سروا سینه روبریونیستی و خدمت به ارتجاع خواهد بود.
و اما جنگ ارتجاعی فعلی، قطعاً روند "جنگ داخلی" در مسیحا ما را سریع خواهد کرد. علیه رژیم سواد که در اراس میگویند سلب سلاب وسع و مسموم کسده خود را علیه انقلابی روبریوند سوده ای در جامعه با سواد رسوده و سرامتا رقعا باید، سکن سحران امدادی - ساسی. آگاهی روز افزون سوده ها، سفسر سوسی بعه از صفحه ۱۶

جنگ تحمیلی ارتجاعی را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم!

رزمندگان و مسئله روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۶ -

ما نسبت به احراف رونیونیستی رفقای رزمندگان در قبال سوسیال امپریالیسم روس بنا گزیر به عرصه های دیگر سیاست این رفقا کشیده می شود و ما دیدیم که این احراف چگونه در تحلیل ارجا یکا هین المللی امپریالیسم شوروی و استراتژی و تاکتیک بین المللی رزمندگان منعکس میگردد. در اینجا می گوئیم تنها اسکیات دیگری از احراف رونیونیستی این رفقا را نشان دهیم.

تزیونیسم امپریالیسم یک اصل مارکسیستی است

"رزمندگان" می نویسند: "ما اعتقاد به سوسیال امپریالیسم را مرز و ناهای جنبش کمونیستی میدانیم یعنی معتقد نیستیم که کلیه نیروهای که در معشوروی سوسیال امپریالیستی از سیاسی نمیکنند صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی قرار دارند و در نتیجه جریانی رونیونیستی محسوب نمیگردند." (شماره ۷) و در جای دیگری گوید: "چگونه می توان جریانی را که تزیونیسم امپریالیسم را زمره اصول جنبش کمونیستی می شمارد، با جریانی - ما شنیدیم - که تزیونیسم امپریالیسم را - حتی با وجود پذیرش نسبی نه از اصول جنبش کمونیستی و نه مرز و ناهای آن - میدانند، در تشکیلات واحدی در کنار هم قرار داد؟" (شماره ۵)

اولین مسئله ای که با بسردن ساخت اینست که آیا تزیونیسم امپریالیسم شوروی یکی از معیارها و اصول جنبش کمونیستی بشمار می آید یا نه؟ بنظر ما مرز بندی با رونیونیسم (در همه اشکال) آن معیار اساسی و مهمی است که مارکسیسم لنینیسم را از بدشورولسوروی بورژوازی جدا می کند، تنها خط کشی روشن بین سوسیالیسم و رونیونیسم است که نشان میدهد شیروئی در صفوف جنبش کمونیستی جای دارد یا ندارد. بقول لنین: "نشان کمونیسم و استین قطع رابطه با اپورتونیسم است" (سخنرانی در باره مساله ایپتالیا) یعنی تزیونیسم جریانی است که با رونیونیسم و اپورتونیسم قطع رابطه نکرده و دارای مرز بندی مشخصی با آن نیستند خود در گردا گرد رونیونیسم می باشند زیرا استواری سوسیالیسم مارکسیسم لنینیسم را استین جدا از مبارزه کمونیستی علیه رونیونیسم نمی باشد.

ولی مسئله به این جا تمام نمی شود، امروز یکی از اشکال برجسته رونیونیسم همان سوسیال امپریالیسم است. مرز بندی دقیق با سوسیال امپریالیسم بسیار نامعین در مرز بندی و مبارزه علیه رونیونیسم می باشد. جریانی است که با سوسیال امپریالیسم شوروی به معنی قدرت امپریالیستی مرز بندی نداشته باشد، در حقیقت امر دچار احراف رونیونیستی بوده و در برابر یگانگی اصلی رونیونیسم جهانی یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی دارای تزلزلات بورژوازی - رونیونیستی می باشد. البته روشن است که هر مرز بندی با سوسیال امپریالیسم قابل تأکید است. می باشد، امروز رزمندگان بورژوازی حاکم صحبت از "سوسیال امپریالیسم امپریالیسم شرق" می کنند، امروز رونیونیستهای فدا نقلی جنبی و سه جانی های سوکرمش وطنی صحبت از "سوسیال امپریالیسم" میکنند ولی پرواضح است که این نیروهای فدا نقلی سوسیالیست از موضع بورژوازی علیه شوروی موضع گرفته و این موضع بیان رقابتی بین نیروهای بورژوازی و سرمایه -

داری می باشد. تنها هدفی که اینان تعقیب نمی کنند همان منافع و آرمان پرولتاریاست. آری تنها مرز بندی و خط کشی ای مورد تأکید است که با هدف دفاع از آرمان و بدشورولسوروی پرولتاریاست و از موضوعی کمونیستی صورت میگیرد. امروزها منظور که با رهبران گفته ایم جنبش بین المللی کمونیستی به دست آوردن اساسی و تثبیت شده ای رسیده است که همان تزیونیسم

- مبارزه علیه رونیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رونیونیسم خروشجفی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بسمار میبورد. اما تزلزلات رونیونیستی رفقای رزمندگان آنرا به نقطه ای کشانده است که این تزلزلی را "ازمره اصول جنبش کمونیستی" ندانند.
- کسانی که مضمون سوسیال امپریالیسم را در مورد شوروی تأکید می آورند و ساخت امپریالیستی آنرا به دست فراموشی می سپارند، در این تمارکسیستی دست به تحریف میزنند. امپریالیسم سوسیال امپریالیسم سیاسی در مورد شوروی جز تحریف چیز دیگری نمی تواند باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی یک مقوله سیاسی اقتصادی است و فقط پذیرش چنین استنباطی است که صحیح و قابل اتکا می باشد.

آید؟ مگر نه آنکه مبارزه بیگمرو مرز بندی قاطع لنینی علیه اپورتونیسم اشترنا سوسیال دوم و هربران مردان به طرد این جریانی رونیونیستی کشیده شد و مرز بندی با آن ملاک تشخیص بلشویکیها از اپورتونیستها و منشویکیها گردید؟ مگر نه آنکه مبارزه کمونیستی در آن و بخصوص مبارزه حزب کارآلبانی به رهبری رفیق انور خوجه و حزب کمونیست چین به رهبری رفیق ماو علیه رونیونیسم خروشجفی به افتخار و طرد این جریانی خاشانه کشیده شد و مرز بندی با آن ملاک تشخیص کمونیستها از اپورتونیستها و رونیونیستها گردید؟ مگر نه آنکه از جمله نتایج این مبارزه سترک ضروری رونیونیستی، ارائه تمارکسیستی سوسیال امپریالیسم میا شد؟

پس پرواضح است که در مبارزه علیه رونیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم بهیچوجه جدا نیست و اگر موضع علیه رونیونیسم خروشجفی یکی از اصول جنبش کمونیستی است - که هست - موضع علیه سوسیال امپریالیسم نیز یکی از دستاوردها و اصول جنبش بسمار میبورد. اما تزلزلات رونیونیستی رفقای رزمندگان آنرا به نقطه ای کشانده است که این تزلزلی را "ازمره اصول جنبش کمونیستی" ندانند. لنین در "جسد" با بد کرد "می گفت هر کس که به مقاومت و بیداری در برابر بدشورولسوروی بورژوازی کشی دهد علاوه به تقویت نفوذ بدشورولسوروی بورژوازی "در صفوف طبقه کارگر دست میزند. و امروز مگر نه اینست که رونیونیسم بدشورولسوروی بورژوازی و نشان نفوذ بورژوازی می باشد و مگر نه این است که سوسیال امپریالیسم بسیار حاکمیت بدشورولسوروی طبقه بورژوازی امپریالیستی و اقتصاد امپریالیستی می باشد؟ پس زمانی که رفقای رزمندگان تزیونیسم امپریالیسم را به یک اصل مارکسیستی رد میکنند و

امپریالیسم است، این تزیونیسم را اهمیت سیاسی - ایدئولوژیک بسیار مهم خود دیده یکی از اصول اساسی جنبش کمونیستی لنینیستی تبدیل گردیده است. بدین ترتیب جریانی که بطور کامل علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم مرز بندی دارند، جز وظیفه پیشرو و پیگیری جنبش کمونیستی می باشند (۱) و جریانی که فاقد مرز بندی علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشند، جز وظیفه اپورتونیست ها و رونیونیستهای می باشند. ولی گذشته از دو حالت فوق تیزروهای وجود دارند که در برخورد با رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و احراف رونیونیستی می باشند، چنین نیروهای که هنوز به ارتداد رونیونیستی کشیده نشده اند، جز جنبش کمونیستی محسوب میشوند، لیکن نه در طیف پیشروان، بلکه در طیف ناپیگیری آن قرار دارند، ناپیگیری این نیروها از آنجا ناشی میشود که دچار احرافات بورژوازی بوده و نتیجتاً دارای مرز بندی پرولتری قاطعی علیه رونیونیسم نیستند و به همین لحاظ فاقد موضع روشن و قاطع علیه سوسیال امپریالیسم می باشند. ما چنین نیروهای را از آن جهت ناپیگیری میدانیم که یا درک و استنباط پرولتری از برخی موازین اساسی ایدئولوژی پرولتاریا ندارند و یا به سبب احراف ایدئولوژیک خود یکی از مواضع اصلی جنبش کمونیستی بین المللی یعنی تزیونیسم امپریالیسم را قبول ندارند روشن است که تعمیق این احراف رونیونیستی بسک جریانی را هر چه بیشتر باعث ارتداد و رونیونیسم

(۱) - روشن است که معیارهای طیف پیشرو و پیگیری جنبش مارکسیستی فقط موضع قاطع علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم می باشد.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

علا جنبش کمونیستی را در برابر تهاجم سوسیال امپریالیستی خوری بی حفاظ می نماید، آیا به "تفویض نفوذ ایدئولوژی بورژوازی" در صفوف جنبش ما مسمد نمی رسد؟

دومن مسئله ای که باید درون ساخت اینجا است که رفقای رزمندگان می گویند نیروهای که خارج از سوسیال امپریالیستی هستند صرفاً به همین اعتبار خارج از جنبش کمونیستی هستند. در اینجا این رفقا برها را مخدوس نموده و طیف سگبر و طیف ناپسگبر جنبش کمونیستی را در یک صف قرار داده اند. حال آنکه باید دقیق برخورد کرد، خط فاصل ها را روشن کرد و سبب به هیچ انحرافی سیاست سازیکارانه اتخاذ نشود. اگر امروز برخی از نیروهای مارکسیستی ایران در برخورد به سوسیال امپریالیسم دچار تزلزل و انحراف می باشند این درست است که خارج از جنبش کمونیستی قرار ندارند، لیکن جزو طیف بشرو و بیگبر آن نیز بشمار نمی آیند. رفقای رزمندگان این مسئله را مسکوت میگذارند ولی ما از این رفقا می خواهیم تا به صراحت، بنظر خود را در این زمینه روشن سازند.

وبالاخره مومین مسئله ای که باید روشن ساخت این است که رفقای رزمندگان صحبت از "پذیرش نسبی" سوسیال امپریالیسم می کنند، رفقا، برای مارو شن کنید که "پذیرش نسبی" به چه معنی است؟ مگر یک نیروی کمونیست اصول مارکسیسم لنینیسم را می تواند بشکند؟ "نسبی" پذیرد؟ تز سوسیال امپریالیسم بیان واقعیت ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد امپریالیستی خوری می باشد. کسای که مضمون سوسیال امپریالیسم را در مورد خوری تا حد ایدئولوژیک پایین آورده و ساخت امپریالیستی آنها به دست فراموشی می سپارند، در این سوز مارکسیستی دست به تحریف میزنند. اطلاق سوسیال امپریالیسم سوسیالی در مورد خوری جز تحریف جبردیگری نمیتواند باشد. سوسیال امپریالیسم خوری یک مقوله

سیاسی اقتصادی است و فقط پذیرش جنبش استثنای است که صیح و قابل اتکائی باشد. درست است که رفقای رزمندگان، دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم را در خوری ناپوشیده می دانند، اما در مورد اینکه چه پدیده ای جایگزین پدیده قبلی گشته، دیدگاه روشنی نداشته و دستخوش انحراف میباشند. این رفقا بدرستی جنبه منفی سوسیالیسم در خوری را می بینند اما جنبه اشبائی حاکمیت سرمایه داری در خوری را تعیین نند و همین خاطر هنوز به تز سوسیال امپریالیسم مبتنا به مقوله سیاسی - اقتصادی اعتقاد دارند و بطرح "پذیرش نسبی" این تز را جنبه رزمندگان کوشی است برای تخفیف نشان دادن انحراف رویزیونیستی شان، بعلاوه باید افزود که اگر این رفقا تز سوسیال امپریالیسم را جزواصول جنبش کمونیستی قرار نمی دهند بی سبب نیست، زیرا در حقیقت این تز مورد قبول این رفقا نمی باشد. حال آنکه ما میدانیم کمونیستها اصول کمونیستی را قبول دارند!

تز سوسیال امپریالیسم و وحدت جنبش کمونیستی

ردا صول در عرصه سیاست نمی توانند در عرصه تشکیلات انعکاس نداشتند و این واقعیتی است که در مورد رفقای رزمندگان نیز صدق میکند. قبل از هر چیزی

بسیستم رفقا هم میگویند: "در مورد وحدت ما تنها با جریانی میتوانیم وحدت کنیم که اکثریت را سوال امپریالیست حساب نمی آورند حداقل خوری را اکثریت از برای ما بماند که در آن دیکتاتوری پرولتاریا حاکمیت نداشته و سیاست خارجی آن بریستر استرالیسم و لیبرالتریز قرار نداشته بلکه فدرالیتی و توسعه طلبانه است." (رزمندگان شماره ۷) به بیان دیگر اگر خواهیم سخن رزمندگان را روشن و خلاصه بیان کنیم چنین است: نیروهای مارکسیستی که تز سوسیال امپریالیسم را قبول دارند و با قبول ندارند نمیتوانند با هم وحدت کنند.

ما بر خلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف رویزیونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی شناسیم آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد می کنند کوتاه آمدن در مقابل اصول می باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف رویزیونیستی می باشد، کوتاه آمدن در برابر این کوتاه آمدن اپورتونیستی می باشیم.

همانطور که میدانیم وحدت تشکیلاتی کمونیستها را در یک وحدت ایدئولوژیک - سیاسی آنهاست فقط یگانگی و استحکام ایدئولوژی حزبی است که حزب را در برابر دشمنان داخلی و خارجی خود و در برابر انحرافات گوناگون غیر پرولتری پایدار نگاه میدارد. هرگونه شتت و هرج و مرج ایدئولوژیک به شتت و هرج و مرج سازمانی می انجامد و بیروا واضح است که نفوذ تزلزلات و روحیه رویزیونیستی و اپورتونیستی در یک تشکیلات شتت و انحراف ایدئولوژیک را دامن زده و سازمان را بسوی گسختگی تشکیلاتی می کشاند. سخن جدیست اگر گفته شود که تفرقه در حزب نشا نه هرج و مرج در ایدئولوژی است. چرا لنین برای منکوب ساختن اکونومیستها و منتویکیا مبارزه میکرد؟ چرا استالین برای منکوب کردن تروتسکیستها و بوخارینستها مبارزه میکرد؟ زیرا لنین و استالین در پی حزبی بولادین بودند که متکی بر ایدئولوژی واحد پرولتاریا است.

حال کمونیستها ایران در پی کدام حزب می باشند: حزبی بولادین و متکی بر خط مشی ایدئولوژی واحد پرولتری و یا حزبی ناپایداری متکی بر اختلاف گرایات گوناگون؟ کدام یک از این دو حزب در راستای امپریالیسم قرار دارد؟ لنین در پاسخ به کولونتائی می نویسد: "شما تا کید می کنید که برای ما به پیش کشیدن شعاری که بتواند همه را متحد کند ضروری است" من ما دفاع نمیگویم که این با شورش من از یک چنین وحدت گراشی بدون تمییز بین از هر چیز دیگر است چه متقدم که بر خطرترین امپریالیست پرولتاریا می باشد (نامه ۴، کولونتائی - ۱۹۱۴)

و حال آنکه سیاست رزمندگان برای وحدت کمونیست - های ایران امری برخطری برای پرولتاریای چین ما بشمار نمی آید؟ بنظر ما تز سوسیال امپریالیسم یکی از اصول ایدئولوژیک جنبش کمونیستی بوده و به همین لحاظ این تز یکی از اصول سازمانی و وحدت تشکیلاتی نیز بشمار می آید. ما معتقدیم تز اپورتونیستی دوگانگی در ایدئولوژی و تشکیلات پرولتاریا نیستیم، ما بر آنیم که اصول وحدت تشکیلاتی کمونیستها بر اصول ایدئولوژی پرولتاریائی انطباق دارد و از آنجا که اعتقاد به تز سوسیال امپریالیسم اصل شورویک می باشد به همین جهت این تز مارکسیستی مبتنا به یکی از موازین وحدت

سازمانی بشمار می آید و بعلاوه ما بر خلاف رفقای رزمندگان، تزلزل و انحراف رویزیونیستی را در وحدت تشکیلاتی به رسمیت نمی شناسیم. آنچه رفقای رزمندگان پیشنهاد می کنند کوتاه آمدن در مقابل اصول می باشد، کوتاه آمدن در برابر انحراف رویزیونیستی می باشد، کوتاه آمدن در برابر این کوتاه آمدن اپورتونیستی می باشیم. درست است که رزمندگان نگفته اند اپورتونیسم نیستها با بدو وحدت کرد، ولی جوهر سیاست آنان طرح وحدت با انحراف رویزیونیستی می باشد و جوهر جنبش سیاسی جز "قریبانی کردن منافع در ازمدت و حیاتی

حزب در ازای منافع لحظه ای زودگذر و ناشی - باشد.

حال آنکه سیاست ما دفاع از یکپارگی مارکسیسم لنینیسم است، دفاع از خط مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف غیر پرولتری است، دفاع از وحدت مستحکم و بدون خدشه سیاسی - ایدئولوژیک است. ما معتقدیم تشکیلات اختلافی نیستیم، زیرا این تشکیلات نه تنها شکننده است، بلکه جزئی هژمونی پرولتری حاصل دیگری ندارد. ما معتقدیم وحدتی می باشیم که بر مرزبندیهای دقیق و اصول استوار مارکسیسم لنینیسم قرار دارد و بر آنیم هرگونه وحدتی که این اصول را در نظر نگذرد محکوم به شکست است. لنین میگفته "بیش از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد گردیم ابتدا بطور قطعی و صریح لازم است خط فاصلی بین خود قرار دهیم." و رفیق استالین در تاریخچه مختصر حزب بلشویک می نویسد: "چنانکه هنگام تندرستی زخم را نمی توان تحمل کرد، در محیط خود نیز اپورتونیسم را نمی توان تحمل نمود"

بر اساس این سیاست است که ما به رفقای رزمندگان می گوئیم سیاست شما در مورد وحدت جنبش کمونیستی در پی آن نیست تا "بطور قطعی و صریح" خط فاصل بکشیم و مارکسیسم لنینیسم را از انحراف رویزیونیستی دور سازد. ما به رفقای رزمندگان می گوئیم شما می - خواهید زخم رویزیونیستی را در قامت وحدت کمونیست - ها نگاه دارید زخمی که چرکین است و مارکسیسم لنینیسم هیچگاه نمی تواند سرآشتی با آن داشته باشد. آری بر خلاف رفقای رزمندگان که معیار اصلی تز سوسیال امپریالیسم را خوار شمرده و بی ارزش جلوه میدهند و آنرا نه تنها جزواصول جنبش کمونیستی قرار نداده، بلکه جزو معیارهای وحدت کمونیستها و بناگزییر ملاک عضویت در یک شکل کمونیستی در نظر نمیگیرند، ما معتقدیم که تز سوسیال امپریالیسم یک اصل ایدئولوژیک جنبش، یک اصل وحدت جنبش و یک اصل تشکیلاتی یک سازمان بشمار می آید. جز این هر چه باشد یک انحراف رویزیونیستی است.

ادامه دارد.

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اخراج معلمین انقلابی، خدمت به امپریالیسم و مقابله با آگاهی توده‌ها

تصفیه و اخراج عناصر آگاه و انقلابی در ادارات از جمله معلمین مبارز و کمونیست از اداره آموزش و پرورش بود رژیم بمبوزات افشای اجباری برخی ساواکیها در آموزش و پرورش، اسامی معلمین انقلابی را نیز در ردیف اسامی آنها جای میدهد تا اعتبار معلمین کمونیست و انقلابی را در بین زحمتکشان توده‌های دانش آموز خدشه دار سازد.

علاوه بر موارد فوق، رژیم جمهوری اسلامی برای تصفیه و اخراج معلمین انقلابی، فصل تابستان را انتخاب کرده بود و بر مبنای محاسبات خود، میبنداشت که دانش آموزان انقلابی به علت تعطیل بودن مدارس و عدم شکل جنبش دانش آموزی، نمی‌توانند بر علیه اخراج معلمین انقلابی خود توسط رژیم مبارزه کنند و برپا به همین سبب بودند که ما در فصل تابستان، شاهد اخراج دسته جمعی معلمین انقلابی و مبارزان در تبریز، اهواز، شیراز، و شهرهای دیگر ایران بودیم.

اخراج معلمین آگاه و انقلابی توطئه دیگری برای سرکوب نیروهای انقلابی بویژه کمونیستهاست

"انقلاب فرهنگی" تاکنون بشمار دهها تن از فرزندانش انقلابی خلقهای میهن ما انجامیده است. این سیاست سرکوب گران رژیم، نه فقط مراکز آموزشی از جمله دانشگاه و مدرسه بلکه خلقهای میهن ما را هدف قرار داده است تا بدینوسیله با ممانعت از فعالیتهای آنها هکذا نه واقفان گران معلمین انقلابی در مدارس در مورد کشتاری که رژیم در کردستان و شهرهای دیگر ایران از خلقها و زحمتکشان برآوردن داشته است و با به انزوا کشیدن مبارزان خلقهای تحت ستم ما بخصوص خلق تهران، اهداف ضد خلقی خود در جهت سرکوب خلقهای زحمتکشان را بر احیای دنبال نماید.

- معلم انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقیض برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب، در تاریخ انقلابات، همواره مورد سرکوب رژیم های ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد.
- چماق "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارزان اخراج می کند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هئیت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی، ضدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گردانندگان آموزشی، نشان می دهد.
- اخراج معلمین انقلابی و کمونیست توطئه دیگریست بر ضد آگاهی توده ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتکشان و فرزندانشان آنها و نقشه دیگری برای سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی و خدمتی است که رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم می کند.

معلمین مبارز میهن ما به علت تعلقات ایدئولوژیک - سیاسی خود به زمانهای کمونیستی و انقلابی از یک سو و به علت داشتن شکل منفی - سیاسی آگاهانه خود در جهت دفاع از منافع توده‌های زحمتکش و دادن آگاهی به توده‌ها از سوی دیگر، همواره در عرصه مبارزه توده‌ها نقش فعالی داشته و دارند و خود را در زمانهای واریت در هم توده‌های انقلابی به جنبشهای توده‌های بویژه جنبش دانش آموزان انقلابی و در حمایت از مبارزان زحمتکشان و خلقهای تحت ستم، حرکتهای انقلابی با یاری از خود نشان داده‌اند. حال معلمین کمونیست و مبارزان بر طبق نزدیکی فعال و روزمره با توده‌های دانش آموزان و دانشجویان ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را بین آنها تبلیغ و ترویج نموده و بر اساس رهنمودهای نیروهای انقلابی در جهت پیوند هر چه بیشتر مبارزان مراکز آموزشی با مبارزان کارگران و زحمتکشان بر علیه ارتجاع حاکم، نقش نمایی کنند. جای "مکتب" که رژیم بر اساس آن معلمین مبارزان اخراج میکند در حقیقت همان ابزاری است که بوسیله آن هئیت حاکمه بویژه حزب جمهوری اسلامی فدیت و دشمنی خود را با معلمین کمونیست و انقلابی آگاه گردانندگان آموزشی، نشان میدهد. البته رژیم جمهوری اسلامی به اخراج معلمین کمونیست بسنده نمی‌کند. چرا که سبکها ام ساختن معلمین جدید، با تقویت عقاید و با روحیه‌های ساواک کوبه می‌خواهد معلمین کمونیست و انقلابی را و طلب استفاده از آنها نموده و کانسبی

جماداران انقلاب فرهنگی رژیم در آموزش و پرورش به معنای "با کسای" هر روز دهها تن از معلمین انقلابی را همراه با معدودی ساواکی از ادارات آموزشی پرورش اخراج میکنند. لازم است ذکر است که اخراج و تصفیه ساواکیها و وابستگان رژیم مزدورانه، کسب در مداران جمهوری اسلامی تحت فشار توده‌ها بسدان دست میزنند. مری نیست که طی چند ماه اخیر برای توده های زحمتکش میهن ما مطرح شده باشد. نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها و معلمین آگاه و مترقی از همان ابتدای بعد از قیام مبارها بصراحت برانفکاش و اخراج ساواکیها و مزدوران رژیم را در ادارات و محازات آنها تا کنده است. آنگاه با انشاکاری های خودشان دادند که ساواکیها و مزدوران رژیم با همراهما سرگردگان امپریالیسم درسی خرد زدن به خلقهای میهن ما می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی که در طی حدود یک سال و نیم حاکمیت خود نسبت به منافع طبقاتی اش از انفعالی ساواکیها و مزدوران رژیم و اسبدها امپریالیسم شاه سرا زده بود، بعد از برطادن بوطئه‌های امپریالیسم برای انجام کودتا در مرداد ماه گذشته - که با بس کودتا مورد حمایت ساواکیها و مزدوران شاه میزود - و تحت فشار مبارزات توده‌ها و انشاکاری نیروهای انقلابی و برای به اصطلاح انقلابی نشان دادن خود اسامی عده‌ای از ساواکیها و از جمله در آموزش و پرورش را اعلام کرد. اما رژیم را این کار هدف دیگری را بس دنبال مسموده و آن سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی در تداوم ضد انقلاب فرهنگی خود مبنی بر جایگزین کردن فرهنگ بوسیده و ارتجاعی همرا با سرکوب دانشجویان، معلمین و دانش آموزان انقلابی، بجای فرهنگ انقلابی و مترقی و بویای مورد نیاز جنبش خلقهای ایران، در ما ههای اخیر به اخراج کلیه معلمین آگاه و انقلابی دست زده است و کما کسان به این عمل ضد مردمی خود ادامه میدهد. سردمداران وزارت آموزش و پرورش تحت پوشش "مکتبی و اسلامی" نبودن معلمین اخراجی می‌خواهند به اعمال سرکوب - گران خود جنبه‌های قانونی بختند. برای هر عنصر آگاهی روشن است که چرا رژیم جمهوری اسلامی، این چنین با معلمین انقلابی و مبارزان دشمنی می‌ورزد. معلم انقلابی، عنصر آگاه و آگاهی بخش، پرورش دهنده دانش آموزان انقلابی و مترقی، بواسطه نقش برجسته اش در تربیت انقلابی، سازندگان فردای انقلاب در تاریخ انقلابات همواره مورد سرکوب رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی قرار داشته و دارد. معلمین آگاه که در انبساط ملموس با زندگی زحمتکشان و فرزندانشان در واقعیات توده‌ها و مفروضات طبقاتی جاری در جامعه، بنا به وظایف انقلابی خود هرگز تسلیم حاکمان چهل و سورا می‌شده و تا حد توان خود کوشیده اند در جهت آگاهی دادن به فرزندانشان کارگران و زحمتکشان و هنگامی با مبارزات طبقاتی آنان از پیشگامان جنبش دمکراتیک - فدا می‌ریالیستی توده های زحمتکش میهن ما بوده‌اند.

تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران از جانبازها و مبارزات آنتی نایدی معلمین انقلابی و کمونیست حکایت میکند. انقلابیون شهیدی همچون ممدبهرنگی، مرضیه احدی اسکوشی، کرجی بیانی، عبداللہ نزل و دهها معلم شهید کمونیست و انقلابی چه در دوره حاکمیت رژیم وابسته شاه و چه در زمان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، با مبارزات و شهادت خودشان داده اند که جز به راه‌های کارگران و زحمتکش و فرزندانشان آنها و جز ستم نمی‌اندیشند. بنا بر این دشمنی رژیمهای ضد خلقی با معلمین آگاه و انقلابی از همین روست است. اینگونه رژیمها، نابودی خود وسط فرهنگ کین و ارتجاعی خود را در آگاهی و آزادی زحمتکشان و فرزندانشان آنها می بینند و بر همین اساس به سرکوب و کشتار معلمین انقلابی و مبارزان دست میزنند.

هیات حاکمه ایران علاوه بر انعام معلمین انقلابی در شهرهای مختلف بویژه در کردستان و کسب، علاوه بر دستگیری و زندانی نمودن عده کثیری از آنها، اکنون با در پیش گرفتن سیاست اخراج کامل معلمین انقلابی در پی عمل کردن کامل ضد انقلاب فرهنگی خود می‌باشد بدون شک اخراج و تصفیه معلمین انقلابی، جزئی از سیاستهای سرکوب گران رژیم در ضدیت با آگاهی و آزادی زحمتکشان و خلقها و بختی از بوطئه‌هایی است که سام

در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه برخیزیم!

بعده از صفحه ۱۲ جنگ غیر عادلانه ...
 کمیونسبی و دسا وردها ئی کهنوده ها از ورای سهال
 مبرزه حاد طبقاتی با خود حمل میکنند ، نقاد ههای
 امبریا لیسها و بحران عمومی در جهان امبریا لیسنی
 و در منطقه ، همه و همه مجموعه عوامی است که جنم ساز
 سویدختی را بر پیش روی کمونسنها ، انقلابیون و
 سوده های مبارز طبق ما میکسرا ند . دور زیم ارتجاعی
 جنگ تحلیلی را برای سد کردن امواج خروسان جنس
 سوده ای بر آه سدا جدا سند ، لیکن کسری این امواج
 جروشده بر علیه هر دور زیم اوج خواهد گرفت و طبقات
 داری برای خود آنها خواهد کردند ، و این تحریک است
 که با رها و با رها دریا رخ نه انبات رسده است .
 کمونسنها با بدنا ما طبقات ما این جنگ ارتجاعی
 را که هدف خود را مغانده با جنس انقلابی در دو جا معه
 ایران و عراق و حرکت رو بر ند آن فرار داده است ،
 محکوم سوده و با جدیدت ما از حمانت انقلاب و کسری
 جنس سوده ای ، این در کشور دفاع نمائند ، هر کوسه
 لغزنی با ما سده کار زن در این وظیفه ، در حکم لغزیدن
 به سمت ضد انقلابیون و عدم پیوستن از نما آرمائیهای
 ولای انقلابی است . سیمان سبت که بورژوازی ارتجاعی
 هر دو کشور سی میکند با بیولنا ریا و سوده ههای
 زحمتگن هر دو کشور را اریکدی کرد و ر کرده ، در مقابل هم
 فرار دهند ، هما تگوسه که سعی میکنند با طغ شوینستی
 منطخ خود ، بیولنا ریا و زحمتگان کشور خود را به جنگ
 برادر کنی بگناتند ، وظیفه کمونسنهاست که سبای
 تبلیغات خود را بر وحدت منافع بیولنا ریا و زحمتگان
 دو کشور بر ضدیت همه آنها با بورژوازی بطور کلی و
 بورژوازی کشور خودی سبوزه فرار دهند .
 وظیفه عمده دیگری که کمونسنها بر عهده دارند ،
 فضای ترهات رویوینستیهای رنگارنگ و مواضع ضد
 انقلابی آنها در برابر این جنگ است .
 امروز رویوینستیهای ما سبتند "حرب سوده" و
 سازمان جریکهای فدا شئی (کشریت) و رویوینستیهای
 سهجیائی ، جنس وانمود میسازند که رژیم ما کم سوده -
 های خلق جبهه انقلابی را تشکیل داده و سوده ها و هیات
 حاکمه "منحدا" با ید سقا بله با سوطه و سها حمیر خیزند!
 رویوینستیها که نوکر بورژوازی می باشند مرز بین

ارتجاع و ضد انقلاب را مخدوش میسازند و هیات حاکمه
 را "منحخلق" ما جلوه میدهند ، آنان فقط تجا و زور زیم
 فاشیستی عراق را در نظر گرفته و میکوشند تا ما هیبت
 ارتجاعی هیات حاکمه در پیوستن باقی بمانند ، آنسان
 هما بطور که بورژوازی در پی آن است ، میکوشند تا
 طبقه کارگر و سوده ها را به گرد بورژوازی و سخت رهبری
 دولت بورژوازی بسج نمایند و منافع سوده هها را
 تریسای منافع ارتجاعی هیات حاکمه ایران سازند .
 بمنظور کمک به توده های خلق که در اثر جنگ
 ارتجاعی کنونی دچار مصائب سدید شده اند ،
 ضروری است ، فعلا نه تمامی امکانات بزرگسکی ،
 داروشی ، حفاظتی و کلیه اقدامات امدادی را بسج
 و در خدمت به توده های زجر کشیده بکار گیرند .
 بدون شک این اقدام انقلابی بی حمایت و امداد ،
 در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی منی برافشای
 اهداف ارتجاعی جنگ کنونی چه از طرف هیات
 حاکمه ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود .

پیشنهاد برای مطالعه

رفقا! برای درک عمیقتر از موضع سازمان در جنگ
 ایران و عراق ، لازم است از سبوزه برخوردار گیسیتها
 به جنگ آگاه بود . ما برای شناخت و درک
 مارکسیستی از مقوله جنگ و برخورد کمونسنها به آن
 متون عام زیر را معرفی می کنیم . تا رفا قاضمن غنی تر
 شدن شناختسان از این مسئله هر چه بیشتر موضع
 مارکسیستی نسبت به جنگ ایران و عراق را تبلیغ
 و ترویج کنند .

- ۱ - سوسیالیسم و جنگ - لنین
- ۲ - نقل قولهای از لنین در باره جنگ - از
انتشارات سازمان پیکار
- ۳ - همه به پیکار علیه د نیکین! - لنین - منتخب
آثار صفحه ۷۰۱
- ۴ - جنگ و سوسیال د مکرسی روسیه - لنین -
منتخب آثار صفحه ۳۷۸
- ۵ - در باره غرور ملی و لیگاروسها - لنین ، منتخب
آثار صفحه ۳۸۲
- ۶ - در باره جبهه واحد برای حفظ صلح ، د ب میتریف

جنگ ایران و عراق بفتح توده های دوکشور نیست

و آموزشکا هیا ، ظا هرا سب داس آ موز و معلم انقلابی
 جدائی می انگند ، اما هر دو آنها ، صفوف رزم سنده و
 انقلابی خود را در ستر مبارزات کارگران ، زحمتگان
 و خلفهای سبب ما مستحکم تر نموده و دوش بدوش هم در
 راههای خلفیا و زحمتگان از قید ستم ستم سر ما ب
 - داری وابسته بیگاری میکنند .

ضمیمه پیکار ۷۳ منتشر شد

پایه توضیحی
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
در باره "جنگ ایران و عراق"

را به خدمت خود در آورده که از هر سطر مطیع فرجک و منطقی
 ارتجاعی و تسلیم سبب سوده و عقب مانده آ مورنی
 ا سوده با سبب (بدیکار ۷۲) مرا جعد کنید .
 اخراج معلمین انقلابی و کمونسبت سوطه دیگری
 است بر ضد ردا آکا هی سوده ها بر ضد طبقه کارگر و زحمتگان
 و فرزند آن آنها و نقشه دیگری برای سرکوب کمونسنها
 و نیروهای انقلابی و خدمتی است که رژیم حمیسوری
 اسلامی بدامبریا لیس میکند ، حافظان سرما نه درسی
 آ سبده با نگه ربا آکا هی سوده های زحمتگن و در سبده
 سوهم آنها ، مانع ارتعیمی مبارزات ضد ارتجاعی و ضد
 امبریا لیسنی زحمتگان سبب ما کردند و سبب من خاطر
 هر سبدا انقلابی و سمرقی و هر قشر آکا ها اجتماعا رانه
 انواع سبوزه ها سرکوب میکنند ، سرکوب آکا هی خواست
 امبریا لیس و یکی از مبرومات حاکمیت نظام و فرهنگ
 سببده و منطخ سرما نه داری وابسته است ، سبب سوده
 اخراج معلمین انقلابی و سببزه کمونسبت از جمله
 اهدافی است که امبریا لیس و ارتجاع برای ساسودی
 نیروهای انقلابی و سببزه کمونسنها بمانا به بیکر -
 ترین وقاطمترین نیروهای ضد امبریا لیس میخواهند
 بدان سقق سببند .

معلمین کمونسبت آموزگران آگاه و انقلابی!

رژیم حمیسوری اسلامی به واسطه و جنت خو بس از
 فعالیت و کوششهای افشاگرانه و آکا هکارانه سبب
 اخراج و تصفیه شما و همکارانتان دست میزند ، با توجه
 به این سبکه زسوتی دامنه اخراجیهای ضد انقلابی همکاران
 شما زمدارین و آ موزنگها ، بدست رژیم روز بروز سترده تر
 میشود و از سبوی دیگری اعتلای جنسهای توده ای سببزه
 سوده های انقلابی دانش آ موزان ، به هم سببگی و پیوند
 مبارزاتی افشار آکا ها و انقلابی از جمله شما سببیا زدا رد
 شکل مبارزاتی و شرکت فعال شما در مبارزات سوده ها
 سبب از هر زمان دیگر ضرورت می یابد ، بنا بر جنس
 شرایطی وظیفه شماست :

- ۱- با شکل و سازماندهی مبارزات خود به اشکال
افشاگریها ، میتینگهای اعتراضی و نظا هرات و ...
متحدانه با تصفیه و اخراج ضد انقلابی معلمین کمونسبت
و انقلابی توسط رژیم به مقابله برخیزد و ضمن فضای
تفتیش عقاید در ا ستخدام معلمین با تمام توان برای ساز
گردا سبب همکاران انقلابی اخراج سده خو بس
مبارزه کنید .
- ۲- تصفیه و اخراج معلمین کمونسبت و انقلابی
را به مفهوم جزئی ارسائیهای ضد مکرانتیک رزم در
سرکوب نیروهای انقلابی ، خلفیا و زحمتگان را در سبب
سوده های زحمتگن از طریق سبب مستعصبا آنها با ا
طریق اعلامیه تراکت و سربات افشاگرانه ، افشا
نمائید و سبب دهنده که این اقدام رژیم جلوه ای ار
ما هیبت ارتجاعی آن است .
- ۳- مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکمه
را حول مبارزات طبقه کارگر سببکل کنید و ضمن حماس
فعال و بیکسرا زما رزه کارگران آنها را برای حما
ارمبارزات خود جلب کنید .
- ۴- با شرکت فعال در جنس دانش آ موزان انقلابی
در سازماندهی و ارائه رهنمودهای انقلابی لازم سبب
آنها مجددا نه تلالی کنید .
- ۵- با فضای جریسهای رویوینستی و ضد انقلابی
و سازشکارانه در سبب خود ، مبارزات خود را هر چه سببتر

سبب سببند .
 ۶- ...
 سربدی سبب که اخراج و سببده معلمین انقلابی
 ارمراکز آموزشی هرگز نمی توان سبب سبب داس -
 آ موزان و معلمین انقلابی را از هم سببکند ، چرا که اگر چه
 رژیم با اخراج معلمین کمونسبت و انقلابی از مدارس

آنچه را که "از دستشان در رفته" می خواهند پس بگیرند!

سده‌ی که در زیر ملاحظه میکنید ماهی است از
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به "مجلس شورای اسلامی"
آسیا، پس از اینکه رژیم "مراحل تنبیه" خود را بنیت سر
گذارد و سر از لاک خود درآورد و ندوعلنا به دفاع از
سرما بهاران و زمینداران بزرگ برداخته اند، شورای
انقلاب "ابتدا در نتیجه فشاری که از سوی توده ها وجود
داشت مجبور بود، هر چند در حرف، نگاه میانجی برای
زحمتکشان (و با ملاحظه مستضعفین) قابل نمودن بلکه
بر اساس خواستهای انقلابی توده ها که خرمن وجود رژیم
جاگرا شده بدیده نای بودی میکرد، آمی بریزد. اما
امروز حرفهای خود را پس میکشند. در این سند مدرسین
حوزه علمیه قم آنچه را که تحت فشار روحانقلابی موجود
بنتفع مستضعفین توسط "شورای انقلاب" تصویب رسیده
موردا اعتراض قرار میدهند و خواستار لغو آنها هستند.

مهمترین مطالب مورد اعتراض آنان همان مطالب
به اصطلاح "محدود کردن مالکیت" است که ولو در حرف
مالکیت محدود را با فساد متروع بودن محدود کرده
است. آقایانی که کجیایان و بساداران نظام کهن
هستند حالا که رژیم جمهوری اسلامی "مراحل تنبیه" است
خود را گذارنده دیگر دلیلی برای سکوت نمی بینند و
درد فاج از سرما بهاران و زمینداران بزرگ سندیز
را از ما میکنند و با زسی گرفتن آن "مطالبات" داده
ندارند و خواهانند. سندید حکا فی خوانا و کویا سست و
توضیح نمی خواهند با راه در صفحات پیکار ما هیت
رژیم و نمایندگان برجسته آن و تکرش آنها به مسائل
اجتماعی را افسا کرده ایم. از اضا کنندگان کافسی
است ما همین چیزها را تا میبریم:
"احداث آذری نمی" دادستان سابق دادگاه انقلاب

که حسابش از سرما بهاران و زمینداران در روزنامه ها
سروصدای زیادی برانگیخت. "تا صریحا رم" که پس از
۲۸ مرداد خاطر نوشتن کتاب "فلسوفینماها" در مبارزه علیه
کمونیسم، برنده جایزه سلطنتی شد. (ما او را پیش از
این نیز افشا کرده ایم) و "یوسف مانی" که "جز" شورای
تکیهان قانون اساسی است و "محمد محمدی کیلانی"
حاکم شرع دادگاه انقلاب تهران می باشد.



سند شماره ۲ سند دیگری است در دفاع آشکار از
سرما بهاران و زمینداران. این سند یکبار دیگر عوام
- فربسی رژیم حاکم و از جمله مراجع "عالیقدر" را
رسوا ساخته و با هم فساد آنها را با زحمتکشان میهن
ما و کمونیسم برملا میسازد:

نامه سرگشاده جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

(کیهان - چهارشنبه ۲ شهریور ۵۹)

بسم الله الرحمن الرحیم
نام سرگشاده جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: نامه‌ای که در این شماره از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۵۹ صادر شد و در آنجا به اعتراضات و انتقاداتی که در آن زمان علیه رژیم در جریان بود پرداخته شد. این نامه در شماره ۲۴۰ کیهان در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۵۹ درج شد. در این نامه به موضوعات مختلفی از جمله سیاست خارجی، اقتصاد، و مسائل اجتماعی اشاره شده است. همچنین به درخواست لغو برخی قوانین و اصلاحات در نظام آموزشی و فرهنگی اشاره شده است. نامه به دست امضای جمعی از علمای و فعالان حوزه علمیه قم است.

۱۴ شهریور ۱۳۵۹

حضرت مبارک حضرت آیت الله العظمی بروجردی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی خراسانی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی تبریزی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی قزوینی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی رشتی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی ارواحی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی بهبهانی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی تهرانی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی قمی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی مشهدی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی شیرازی صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی اهلبیضا صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی نجف صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی کربلا صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی مدینه صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی مکه صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی یمن صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی عمان صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی بحرین صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی عراق صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی لبنان صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی فلسطین صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی اردن صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی سوریه صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی عراق صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی لبنان صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی فلسطین صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی اردن صاحب کرامات
حضرت آیت الله العظمی سوریه صاحب کرامات

بسم الله الرحمن الرحیم
این نامه به دست امضای جمعی از علمای و فعالان حوزه علمیه قم است. در این نامه به موضوعات مختلفی از جمله سیاست خارجی، اقتصاد، و مسائل اجتماعی اشاره شده است. همچنین به درخواست لغو برخی قوانین و اصلاحات در نظام آموزشی و فرهنگی اشاره شده است. نامه به دست امضای جمعی از علمای و فعالان حوزه علمیه قم است.

سند شماره ۲

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

دانش آموزان انقلابی! فرزندان زحمتکشان!

پرچم مبارزات ضد امپریالیستی،

ضد ارتجاعی تان را برافرازید!

رژیم که در سراسر جامعه، فعالیت نیروهای انقلابی را در مناسبت سرکوب میکند، میگوید تا آزادی فعالیت سیاسی در مدارس را از شما سلب نماید.

رژیم که مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم را بخون میکند، آماده است تا نظا هرات، اعتصابات و تحصنهای برجستان بایسیج جماعتد اران و سلیک تیراسد اران پاسخ گوید.

رژیم که کردستان را بمباران میکند و دهقانان زحمتکش را به توپ میند، آماده است تا فریاد حق طلبانه تان را با اخراج از مدارس، زندان و شکنجه پاسخ گوید.

رژیم از ترس آگاه شدن تودها، دانشگاه را میند و میگوید با ایجاد جو خفتان و تفتیش نماید از گسترش آگاهی تان جلوگیری کند.

اما مبارزات انقلابی شما جزئی از مبارزات تمامی خلقهای میهن بر علیه ارتجاع و امپریالیسم است:

- مبارزه برای لغو تبعیض نامه آریامهری، شهریه ود و نوبتی کردن مدارس.
- مبارزه برای جلوگیری از اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی بجزم عقاید سیاسی و مبارزه با تفتیش عقاید در مدارس.
- مبارزه برای نابودی فرهنگ استعماری و کوشش در جهت بازگشایی دانشگاه.
- مبارزه در جهت پیوند مبارزات تان با مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن و خصوص خلق ستمدیده کرد.
- با مبارزه فعال با امپریالیسم و ارتجاع در سال تحصیلی جدید با شعار افشاگری! سا زماندهی!

قاومت سراسری به پیش!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سری ب - ت ش ۷۲۰

۵۹/۶/۳۱

کارگران! زحمتکشان!

از خواسته های فرزندان تان،

دانش آموزان انقلابی حمایت کنید!

فرزندان تان، دانش آموزان انقلابی خواهان آزادی فعالیت سیاسی هستند تا بتوانند از حقوق زحمتکشان دفاع کنند.

آنها میخواهند شهریه که بارگانی بردوش شما زحمتکشان است و نیز ود نوبتی شدن مدارس که هدفی جز مزاحمت و کردن فعالیت سیاسی دانش آموزان ندارد لغو گردد.

آنها از تبعیض نامه های آریامهری که از سوی رژیم به آنان تحمیل میشود دبیزارند.

آنها تفتیش عقاید در مدارس و اخراج معلمان و دانش آموزان مبارز را بطریق سیاسی شان ران میخواهند بپزد بزند. آنها میخواهند دانشگاهها این سنگرزادی بازشو و تا دانشجویان انقلابی بتوانند به آگاه گردن تودها بپیردازند. آنها میخواهند خلق کرد به خون کشیده نشود و مبارزات کارگران و زحمتکشان سرکوب نگردد. آنها میخواهند سرمایه داری وابسته نابود شود و بدین خاطر در معرض هجوم رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند.

کارگران! زحمتکشان!

شما باید از این خواسته های برحق پشتیبانی کنید. ازهر راهی که میتوانید: با تشویق فرزندان تان به مبارزه، با شرکت در مبارزات برحق فرزندان تان، با افشای اقدامات رژیم در مدرسه، کارخانه، و مزرعه و... فرزندان تان خواهان این پشتیبانی هستند.

مبارزات دانش آموزان انقلابی جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خلقهای میهن ما است.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سری ب - ت ش ۷۶۰

۵۹/۶/۳۱

ملاحظات کوتاه

از روزنامه انقلاب اسلامی ۳۱ شهریور ۵۹
آیا این هم از رنبرات "رسدگی های غفاری" به وضع
کنا و روزان شمال است؟

فآر امیهای دیروز
قائم شهر
یک نفر کشته و
۱۰۰ نفر زخمی
بجای گذاشت

صفحه آخر

بین هراداران گروههای سیاسی و مردم درگیری ایجاد شد که در این درگیری شخصی بنام محمد حسین صادقی کشته و حدود ۸۰۰ نفر زخمی شدند. در صفحه ۱۱

دیگ به دیگ میگه روت سیاه!

زمانی بود که کمونیستها میگفتند بزدی و بازرگان و دیگر لیبیرا لها با امیریا لیبستها سازش و مماشات کرده اند اما حزب جمهوری اسلامی و نیز آیت الله خمینی شدیداً از این آقا بیان حمایت میکردند و متحدان بر علیه انقلابیون عمل میکردند. اما حالا که دعوا بر سر قدرت اوج گرفته است، دوستان دبیرین دست هم را در میکنند بهشتی و بازرگان، دوستانی که با هم پیش زغال هویز آمریکا می رفتند و برای جلوگیری از بیضی روی انقلاب و در واقع برای حفظ منافع امپریالیسم متحدان سوگند یاد میکردند حالا بر سر تقسیم "غنایم" بجان هم افتاده اند.

بدین ترتیب است که در پنجم شهریور ۲۷ شهریور نمایندگان حزب جمهوری دست بزدی و بازرگان را در ملاقات با برزیلکی رو میکنند و بزدی هم دست بهشتی را! جریان خیانتهای بزدی و بازرگان و... را با رها در بیجا رفتن کرده ایم، اینجا جریان "شما سبهای دیپلماتیک" آقای بهشتی "شما امپریالیست" را با جاسوسان آمریکائی از زبان وزیر خارجه دولت موقت آقای بزدی بخوانیم.

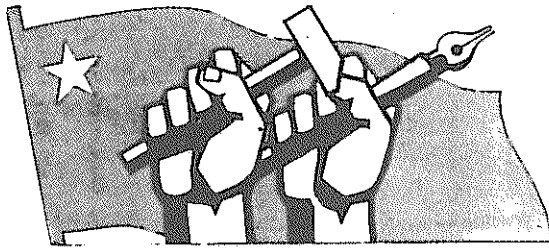
بزدی گفت:

"همان زمانی که ما سده وزارت امور خارجه در آمریکا آمدیم ایران، غیر از وزیر خارجه خلی آقا بیان دیگر را ملاقات کرد... شما به وزیر امور خارجه در میان اعتراض می کنید که چرا با یک دیپلمات خارجی ملاقات کرده ولی کما شکر در مقام مسئولیت، روی جمهوری ما اینها ملاقات کردند؟ بنده از شما سؤال میکنم آقای بنده در صفحه ۱۸

آزادی فعالیت های سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است

پیکار

هنرمقاومت هنرپرولتاری



نقد فیلم

مبارزین باسک: رویز یونیسیم علیه آوانتوریسم

در قسمت نخستین این بحث، بعنوان مقدمه، نگامی به تاریخچه مبارزات مردم اسپانیا و خلق باسک طی قرن اخیر انداختیم. همچنین به انحرافات که در درون جنبش کارگری و کمونیستی اسپانیا و باسک پدید آمد، منجمله آثار ریشم و تروتسکیسم، اشاره کردیم. اکنون به داستان فیلم می پردازیم.

داستان فیلم

همانطور که گفتیم فیلم در مورد گروهی از مبارزین باسک است که به مبارزه مسلحانه جدا از توده می پردازد. فیلم با صحنه ای از مراسم تدفین فرانکو، در سال ۱۹۷۵ آغاز می شود. و گوینده به آغاز یک دوره جدید زندگی مردم اسپانیا اشاره میکند. سپس فیلم آغاز می شود. زمان سال ۱۹۷۸ است. زنی از دوویک مرد را تعقیب میکند. پس از لحظاتی در خانه مرد که "چاپی" نام دارد ملبوم میشود که آنها زن و شوهر بوده و زمانی در یک گروه مخفی چریکی فعالیت میکردند. اکنون مرد به مبارزه خود همچون سابق ادامه میدهد و زن میکوشد به او بپیوندد که راه مبارزه و راه درستی نیست. این برخورد منجر به یادآوری گذشته میشود. وظیفه صحنه های بازگشت به عقب، ما "چاپی" را می بینیم که در مدرسه درس میخواند و از آنجا با ستمی که بر مردم باسک میروند آشنا میشود. معلم مدرسه "چاپی" و رفیقش را بشدت کتک میزند و از آن - ها میخواد هدیه زبان اسپانیولی حرف بزنند. صحنه ای دیگر این دورا در حال نوشتن شعار نشان میدهد. سپس در صحنه ای دیگر کشیشی در کلاس درس از فشار رویداد انقیاد و فشار روحیانه ای که بر مردم باسک بوسیله رژیم وارد می آید صحبت میکند و اعلام مینماید که دیگر قا در نیست آرام بنشینند و چاره است برای مبارزه کشیش بودن دست بکند. سپس در سال بعد ما شاهد صحنه ای هستیم که یک جلسه مخفی از انقلابیون باسک را نشان میدهد. "خوزه" - کشیش سابق - رهبر این گروه است و آنها در مورد طرح ربودن ژنرال "کارهرو" دربارا فلانویست و دشمن بیرحم انقلابیون حرف میزنند تا به این وسیله گروهی از زندانیان سیاسی را آزاد کنند. با لایحه یک دسته و طلب به رهبری "آزارا" یکی از افراد گروه، به "مادرید" میروند. وظیفه حوادثی با لایحه تصمیمی کشتن ژنرال که به نخست وزیر می منصوب شده است می - گیرند و موفق میشوند. با ز فیلم به سال ۱۹۷۸ به همان خانه ای که چاپی و همسرش در آن با هم ملاقات کردند مونتاز میشود. "چاپی" بیرون میروند و در حین انجام عملیات ترور علیه دو پلیس، خودش زخمی میشود. فیلم در بیمارستان و زمانی که همه دوستان سابق که اکنون دیگر از موضع سازشکارانه و رویزیونیستی مبارزه به

شوه سابق را قبول ندارند و بر بالین چاپی حاضر شده اند، پایان می گیرد.

معرفی یک گروه آوانتوریست (ماجرای)

چیزی که در حله اول جلب نظر میکند کوش "جیلو - پونته کوزو" کارگردان فیلم در تصویر کردن افکار، روحیات و خصوصیات آوانتوریستی و ماجراجویانه این گروه، از مبارزین باسک است. در واقع، طی صحنه های متعدد، دوربین در پی نشان دادن این امر است.

چنین گفته ای درک سرا پا ایده آلیستی "چاپی" را نشان میدهد و اداری آن نوع تفکر خرده بورژوازی است که تصور میکند با مدهیکتا توری خشن فرانتکونه بنا به مقتضیات عینی جامعه و ضروریات سیستم آن، بلکه برای وجود این یا آن فرد نا پاک ممکن است بسیاری همین نمی توانند دریا بدهک تا بودی رژیم فرانتکوتنها طی مبارزه طبقاتی و بدست توده ها و با سرنگونی قهر - آمیز با کمیت طبقات ارتجاعی طی مبارزه مسلحانه توده ای مقدور است نه با کشتن جان نشین فرانکو! چنین درکی، جزیک استنباط اراده گرایانه (ولونتاریستی) نیست. گویی همه چیز به اراده وجود فرد بستگی دارد. نظم فدا خلقی گویی حاصل میل و اراده "فرا بیداد" است و بنا بودی آن همه به تامل و اراده این یا آن فرد مربوط میشود. گویی کافیست فقط "کارهرو" کشته شود تا دیکتا توری خشن فرانتکویی که در اصل دیکتا توری طبقه ای علیه طبقات دیگر است تا نبوده شود! چنین تصوراتی بسیار شبیه به طرز تفکر سوسیال رولوسیونرها دیره، رفیق احمدزاده و... است. و ما را به یاد کسانمی می اندازد که لنین آن را اینگونه ترسیم میکند: "وظیفه ما نابود کردن همگی افراد ظالم و وحشی حکومت مطلقه بنا تنها وسیله ای (است) که حکومت مطلقه بر ایمان باقی گذاشته است" (لنین آوانتوریسم انقلابی).

۲- مشی جدا از توده

"مبارزین باسک" نه تنها به مبارزات توده ها و در رأس آنها ن به مبارزه طبقه کارگران ایمان ندارند بلکه عمیقاً دارای مشی جدا از توده بوده و روحیات آنها ن هم

کارگردان "مبارزین باسک"، "جیلو پونته کوزو" که زمانی عضو حزب رویزیونیست ایالتی بود، مرز بندی با مشی انحرافی و خرده بورژوازی را نه از زاویه کمونیستی بلکه از زاویه ای بورژوازی و ضد انقلابی انجام میدهد. این کارگردان قبل از این هم نشان داده بود که چه طلاقه فراوانی به تبلیغ مشی بورژوازی داشته و تا چه حد از انقلاب بیزار است.

پیکار "چاپی" و "آزارا" رهبر دسته، در حال گشت از مبارزه کارگران و اعتصاب و تظاهرات دانشجویان با خبر میشوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده ای ندارند بلکه شدیداً نسبت بدان بی توجه اند

۱- اراده گرایی

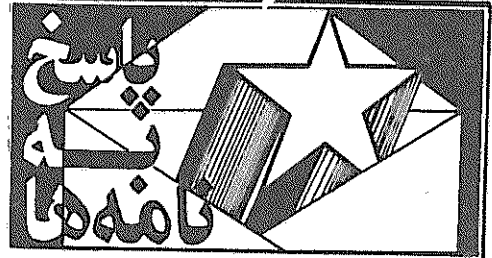
در بخش اول، کارگردان، طی گفتگوی "چاپی" و همسرش، "چاپی" را یک انقلابی جدا از توده و ماجراجو معرفی مینماید و در صحنه های بازگشت به گذشته نشانگر به نحو روشنی به این خصوصیات "مبارزین باسک" پی می برد. آنها ن به مبارزات توده ها توجهی ندارند و در ابتدا مسئله اساسی آنها ن گروگان گیری ژنرال است و در این میان "چاپی" آئینه تمام نمای تفکر روشنگر - ان انقلابی ماجراجوست که در مقابل جریان خود به خودی خشم و غضب فوق العاده آتشین روشنگرانسی که نمی توانستند امکان ندارند فعالیت انقلابی را با "نهضت کارگری در یک کل و احبیم بیبوندند" سرفرو می آورد، و همچون کسی است که "ایمانش از این امکان سلب شده یا هرگز به آن ایمان نداشته است و برای همین "حقیقتاً برای پیش دسوار است بجز ترور و راه دیگری برای القاء احساسات خشمگین و انرژی انقلابی خویش بیابند" (داخل گیومه از لنین - چه با یاد کرد)

بشدت با توده ها بیگانه است، ما با چنین پدیده هایی در دوران مبارزات مسلحانه جدا از توده در ایران به طور روشن آشنا بودیم. رفیق پویان در کتاب خود آن - چنان نسبت به مبارزات توده ها بی اعتما دید که هر نوع امکان مبارزه توده ای را نفی میکرد و رفیق احمد - زاده همین نظر را تعمیق میداد و با لایحه در دوران غلبه مشی چریکی نتیجه گیری میشد که انقلابیون باید جدا از توده ها به مبارزه بپردازند.

در فیلم هم ما به صحنه های فراوانی که گویای چنین بریدگی آشکاری از مبارزات توده ها و عدم پیوند با آن - ها است بر میخوریم. پیکار "چاپی" و "آزارا" رهبر دسته، در حال گشت، از مبارزه کارگران و اعتصاب و تظاهرات دانشجویان با خبر میشوند، لیکن آنها نه تنها ارتباطی با این مبارزات توده ای ندارند بلکه شدیداً نسبت به آن بی توجه اند. و بویژه "آزارا" - که گونه ای به این مسئله برخورد میکند که گویی اتفاقاً نیفتاده و مسئله به آنها ن مربوط نیست.

پیکار هم وقتی "چاپی" برای خرید بیرون میروند، با یک آئینوس برآزمرد می که به پیک نیک میروند و سر - گرم خوردن آواز زدن و بیرون میروند. چاپی در موقع بازگشت شنیدنی اسلحه و نارنجک میداست و در جستجوی دوستانش که از او علت تغییر حالتش را جویا میشوند می - گوید روزهای یکشنبه بد است چون همه به تفریح و

"چاپی" در برابر "خوزه" که اصرار میکند گروگان گیری فعلی کافیست اصرار میکند که ژنرال را باید بکشد چرا که "کارهرو" بسیاری از دوستانشان را کشته است و اینک "آزارا" جان نشین فرانکو میشود و تنها کسی است که می - تواند دیکتا توری را ادا مدهد، پس باید ورا کشت!



نامه‌ای از ت.ک. کارگر نظافت‌چی

این روزها ناممیک کارگر نظافت‌چی بدست ما رسید. این نامه که متن آن را برای شما می‌آوریم علیرغم نامادگی و کوتاهی اش حاکی از یک دنیا درد و رنج زندگی و سستی است که نه تنها توسط رژیم سرپرده پهلوی بلکه توسط رژیم جمهوری اسلامی که تبلیغات "عدل و قسط" اسلامی او قلمی نقاط جهان را پر کرده است بسر این کارگر زحمتکش و میلیونها زحمتکش دیگر نظیر او رفته است. این کارگر جوان و در عین حال آگاه، بد رستی تکیه میکند که هر دو دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است و "هیچکدام به درد" دل مستضعفین نرسیده اند و بد رستی ملاک خود را در شناخت این رژیمها نه تبلیغات آنها و نه به اسلام می‌بندد و یا نبودن آنها بلکه به موضع و منافع طبقاتی این رژیمها و این که آنها منافع چه طبقاتی را بر سر آورده می‌کنند و با چه طبقاتی دشمن هستند، قیاس می‌کند. نکته مهم دیگری که این جوان زحمتکش روی آن انگشت می‌گذارد، ضرورت کارگزاران هکرا نه خیانتکاران و آگاهها و خشن آنها نسبت به رژیم است که بر آنها حکومت میکند، سستی که از جانب این رژیم بر آنها می‌رسد و چونگی "بدست آوردن حق خودشان از پولدارها" است و دست آخر خواستار شدن او از ما که در آنجا ما بین وظیفه کوتاه بنیوم و "از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بکنیم"...

به امید آنکه سازمان ما توانسته باشد آنچه را که این عنصر زحمتکش از ما خواسته است، به انجام برساند و با درود فراوان به این کارگر جوان و آگاه! متن نامه: سازمان پیکار در روزهای آزادی طبقه کارگر:

من یک فرد نظافت‌چی هستم و ۲۲ سال هست و تا این سن دردهای زیادی کشیده ام و در این مدت دولتهای زیادی هم در این مملکت روی کار آمده اند ولی هیچ کدام به درد دل ما مستضعفین نرسیده اند زیرا هر دو دولتی که آمده است تنها به منافع پولدارها نگاه کرده است و از شما خواهش می‌کنم که از این به بعد به زحمتکشان توجه و تبلیغات بیشتری بفرمایید و آنها را آگاه کنید و از بدبختیهای که برایشان بوجود آورده اند تا در بدست آوردن حق خودشان از پولدارها موفق باشند.

ت.ک.
امضاء

رفیق دانش آموز "ک"

نامه‌ات رسید. در خواستها و انتقادات تو ما را بجا و وارد است. در مورد تشریح تئوریک و تحلیلی از مرحله انقلاب و تضادها، ما هیت حزب جمهوری اسلامی و... همطور که در شماره‌های گذشته در همین صفحه "پاسخ به نامه‌ها" نیز اشاره کردیم، باید بگوئیم که در رابطه با تصمیمات کنگره اخیر، سازمان در کنفرانس تبلیغی - سیاسی (پیکار رگونی) یک تشریح تئوریک - سیاسی نیز خواهد داشت. همچنین در اولین فرصت

مصوبات کنگره در باره مرحله انقلاب و... در سطح جنبش منتشر خواهد شد. نسبت به سایر هم‌رازان دیدگاه تکیه کرده بودی نیز گوش خواهم کرد تا در اولین فرصت بدان پاسخ لازم را بدهیم. در خاتمه باید به رفیق دانش آموزان بگوئیم که علیرغم تاکیدهات ما، اسم خود را پای نامه‌اش نیاورد بود.

دست‌تورا می‌بخشیم، با زهم برای ما نامه بنویس

رفقا! تو از کج:

نامه‌تان رسید. برخورد فعال رفقا نسبت به موضوعیها و مبارزه با دشمنان یک سازمان قابل تقدیر است. تا کید شما نسبت به مرز بندی با رویزیو - نیمه سنجی، و گرايشات آن، در کنفرانس رویزیو نیوسم خروشجی، در مضمون مبارزه با دشمنان، تا کیدی است بجا و درست که مورد توجه قرار خواهد داد.

در مورد ما حیدر رفقا ترا با حق شناس و حسیمن روحانی، انتقاد کرده‌اید که چرا علیرغم تذکر رفیق حق - شناس که منمحو خواهد شد و رعب‌کننده‌ای مذهبی شوی در پیکار ۲۲ عملاً این کار صورت گرفته و این کار درست نیست آنهم در یک ارگان سبیلی - سیاسی و اما فک کرده‌اید که "این مسائل بجز در من زدن، با اختلافات و تضادهای درون خلقی و ایجاد دو بدبینی کار دیگری نمی‌کند... خط ما حیه با بدحلول افشای حاکمیت موجود با دشمن اثبات حقانیت ما رکسیت شدن سازمان برای مجاهدین که ما حیه این شما رعد عتدا به پیش می‌برد."

رفقا! اول باید بگوئیم که به دیدگاه ما این مصاحبه از زمان ابتدای تا کنون علیرغم آنکه در بسیاری از موارد با مذهب و روحانیون برخورد میکنند (و این بسا توجه به موضوع ما حیه جتنا بنا پذیر بوده) و لسی هواریه این برخورد نه بصورت مجرد و مستقل از مواضع طبقاتی، بلکه مشخصاً در رابطه تنگ با مواضع و منافع طبقاتی صورت گرفته است. در همین رابطه ما حیه هیچگاه مذهب توده‌ها و توده‌های مذهبی را مورد برخورد قرار نمی‌دهد و آنچه را که بر روی آن تکیه دارد اما مواضع و عملکردهای روحانیون بزرگ و از جمله آیت‌الله خمینی و آنچه از موضع طبقاتی آنها است، البته در اینجا و آنجا، ما حیه، ما مذهب و تقش آن را بلحاظ فلسفی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد که با زهد دیدگاه ما پرداختن به این مسئله تنها مورد ایراد نیست و نه تنها معنی ما من زدن به اختلافات و تضادهای درون خلقی و ایجاد دو بدبینی (آنطور که شما تصور میکنید) نمی‌باشد، بلکه مری است که از نظر تروبی (و بخصوص در شرایط کنونی) چه بلحاظ نقشی که مذهب در اینجا ایفا می‌کند، نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد و چه بلحاظ نقشی که در دیدگاه ما بلحاظ طبقاتی سازمان مجاهدین داشته و دارد) با بدبدان اهمیت ویژه‌ای دارد و به اعتقاد ما سازمان در این مورد حتی کم‌کاری نیز داشته است و با بددرجای خود به این مساله بپردازد.

در مورد پیشنهادتان نسبت به برخی شعارها، ما این مساله را در اولین فرصت بطور جدی و مورد توضیحی که نسبت به "شعارها" در پیکار خواهد آمد مورد توجه قرار می‌دهیم.

پیشنهاد آخر شما را جع به اهمیت برخورد و افشای رادیکالی‌های خارجی از جمله رادیکالی‌ها، کاملاً اصولی بوده و ما می‌گوئیم نسبت به این مساله و پیکار ده‌سردن پیشنهاد شما برخورد فعال‌تری بنمائیم.

در پایان باید این تذکرها را به رفقا بدهیم که علیرغم تاکیدهات ما با زهم رفقا اسامیان را به

حروف خارجی نوشتند!

دستان را بگیرم می‌بخشایم. بی‌روزباید!

رفیق دانش آموز از غرب تهران

نامه‌ات رسید. پیشنهادت از رزنده و مثبت است و برخورد فعال تو با امر تبلیغاتی سازمان قابل تحسین است. در پاسخ نامه تو باید بگوئیم که پیشنهادت اول تو که جوهر آن را "تبلیغات زنده و بموقع" و "بقول لنین: هیچ مجرم را هنگام ارتکاب جرم گرفتن، تشکیل می‌دهد، بخصوص در این اواخر مورد توجه قرار گرفته و به برخورد انتقادی نسبت به گذشته در این زمینه می‌کوشیم تا ملزومات و سازماندهی لازم را در این رابطه بوجود آوریم. طرح پیشنهادت تو را نیز در همین رابطه مورد توجه قرار خواهد داد.

پیشنهاد دوم تو یعنی متون تبلیغی کوتاه در پیکار جهت باز تکثیر و از لید نویسی و... را نیز مورد توجه قرار خواهد داد.

در پایان از رفیق دانش آموزان می‌خواهیم که بعد از این نامه خود را بدون اسم برای ما نفرستد. با درودهای گرم و به امید پیروزی!

تقدیر...

گذشت می‌روند و بعد فریاد می‌زند که آن‌ها املا متوجه نیستند که از ادبخواهان زندانی هستند و اگر ما فریاد بزنیم که با سک را می‌خواهیم از ادب‌توجهی نمی‌کنند یکی دیگر از دوستان "چاپی" حرف‌ها را تا شنید می‌کنند مردم ما در برابر بی‌غیرت می‌خوانند!

به این ترتیب مبارزین با سک توده‌ها را محکوم میکنند که چرا روز یکشنبه به تفریح می‌روند، چرا آواز می‌خوانند، چرا به آن‌ها که خود می‌خواهند تندیها بی با سک را ازاد کنند! بی توجه اند چرا بی غیرت اند! و این در حالی است که چشم خود را به مبارزه توده‌ها بسته اند

فاسیونالیسم خرده بورژوازی

این مبارزین بنا به ما هیت طبقاتی خود نه تنها در شیوه‌های مبارزه در آنجا راجع افاند، بلکه آشکارا آلوده به فاسیونالیسم خرده بورژوازی اند. آنسان توجهی به مبارزات طبقه کارگر ندارند.

در همان لحظه ورود به ما در دیدگی از آنان می‌گوید که از ما در دیدنش آمده است! رهبر گروه معتقد است که هوای ما در دید به مردم با سک نمی‌سازد، یکی دیگر از مبارزین، مردم با سک را برخلاف مردم ما در دیدنا غیرت می‌خوانند! آنان در جای یک دیدگاه "ما م خلقی خسرده" بورژوازی در برخورد به مردم با سک هستند، کافی است هر چیز نشانی از "با سک" داشته باشد تا آنان را به حمایت از خود برانگیزد. به این ترتیب آنان با عدم برخورد طبقه‌ای به مبارزات استقلال طلبانه مردم با سک هیچ - گاه قادر نیستند ضرورت پیوند مبارزات ملی را با مبارزه طبقاتی و همبستگی آن را با جنبش انقلابی پروولتاریا درک کرده و مبارزه برای استقلال و آزادی با سک را بسوی پیروزی رهنمون شوند. این مبارزات، خواهنا خواه منطقی‌های شکست را در دل خود می‌پرورد. اما بسبب "حیلونه پوتنه کورو"، کارگردان فیلم، این رویزیونیست کینه‌کار را با تالیاتی از جزا و بهای به آنرا فاشاتین مبارزات برخورد کرده و راه حل پیش - نهاده‌ای او چیست؟

(ادامه دارد)

گوشه‌ای از تبارنامه خونین خلق در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تحصیل کرد و سپس وارد ارتش شد. بچه‌های محله‌اش او را با ورزشکاران و ورزشکاران پر تحرک میشناختند و پس از شنیدنش یک ماسه‌دوستانه فوتسال با بیاد او برپا داشتند.

رفیق همزمان با او جکبوری جنبش انقلابی خلقها از ارتش گریخت و در جوار بیدارش گفت: "من نمیتوانم بروی مردم مسلح بکشم!" پس از قیام مجدداً به محصل خدمت (با دکان برورد) برگشت و در حالی که بیبا هواداران سازمان در ارتش بود به فعالیت انقلابی و کارآگاهانه پرداخت. آنگاه که فعالیتش لورفت با رديگرا ارتش فرا کرد و خود را به دفتر سازمان در سنج رسانید و بعلت شورا انقلابی و کارآئی و صلاحیتش در روابط پیشمرگه‌ای سازماندهی شد. رفیق امیر سرانجام در تاریخ ۱۷ خرداد در جریان یک درگیری با ارتش فدا خلقی به همراه همسرش رفیق مسعود ستایش به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید مسعود ستایش

رفیق مسعود در سنج بدنیا آمد و به منظور تحقیق فواید انقلابی خلق کرد و پیشتر در انقلاب دمکراتیک - فدا میربا لیبستی خلقهای ایران به مبارزه رو آورد در همین رابطه به صرفه‌فوق هواداران سازمان پیکار (حوزه سنج) پیوست. از او مثل اسامی بعنوان یک پیشمرگه زندگی خود را تماماً در خدمت پیروزی آرمان کارگران و زحمتکشان قرار داد. در جریان ۲۵ روز مقاومت قهرمانانه مردم سنج فعالیتش شرکت کرد.

رفیق سرانجام در روز ۱۷ خرداد (بین راه) کارگران - سنج (پس از ۴ ساعت زردلاورانه) ارتش فدا خلقی به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید کاک عطاء طاطائی

رفیق عطاء در سال ۱۳۴۰ در سقز بدنیا آمد. وی در آگاه ساختن دانش آموزان و توده‌های مستعد شده‌ها فعالیتش شرکت میکرد. در جریان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم به گردستان، هوادار سازمان شد. سال آخر دبیرستان بود که با توجه به فعالیت و کارآئی اش مسلح بدست گرفت و در صف پیشمرگان سازمان و همراه دیگر همزمانش در روستاها به کار توده‌ای مشغول شد.

رفیق سرانجام در ۲۵ خرداد ماه سال طی یک درگیری با نیروهای مسلح رژیم در اطراف روستای "میرده" (در جاده سقز - با نه) به شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق محمود مسعودی

رفیق محمود یکی از هواداران پرشور سازمان بود که با عنوان مهندس در مجتمع فولاد اهواز کار می‌کرد. خصوصیات انقلابی رفیق موجب شده بود که وی در دل کارگران صنایع فولاد جای امنی بدست آورد. سرانجام در اوایل تیرماه در یک حادثه راه‌اندگی (در جاده‌های سوختن) قتلش که با ایمان به پیروزی طبقه کارگر می‌طیبا در حرکت با زانیاستاد. بقیه در صفحه ۱۸

جریان قیام پیکارگرها پس از ماه‌ها همراه مردم قهرمان ایران در تخریب واک سلطنت آباد، با دکان عثرت - آباد و کلانتری ۶ فعالیت شرکت جست. در جریان یورش ارتجاع به گردستان (۲۸ مرداد ۵۸) در سازماندهی مردم مبارز سنج علیه رژیم شرکت نمود. همچنین مدتی در کوههای اطراف با نه در جنگ مقاومت بمبارازیه پرداخت.

رفیق به لحاظ شرکت فعالیت در تشکیل بنده‌ها در محله‌های فقیرنشین، پیوسته بنده‌ها می‌آید، توانسته بود در قلب مردم زحمتکش این محلات جای امنی بدست آورد. سرانجام در تاریخ ۵۹/۲/۶ در حالیکه پیشاپیش پیشمرگانی که جهت پاک کردن ساختمان استانداری سنج از مزدوران بی‌شوری میکردند، در حرکت بوده شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در خا نواده‌ای تنگ - دست بدنیا آمد. در جریان او جکبوری مبارزات توده‌ها همراه آنها در حرکتی جمعی (نظارات، اعتصابات و تحصنات) فعالیت شرکت میکرد. پس از قیام بعنوان یکی از عناصر پر تلاش اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه تیله کوه و تازه با دو با غچه - له فعالیت شرکت جست.

به هنگام یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به گردستان (مرداد ماه ۵۸) در کنار مردم دلاور سقز قهرمانانه جنگید. در جریان یورش مجدداً ارتش و پاسداران به گردستان، رفیق شیخی بعنوان پیشمرگه سازمان پیکار، به صف جنبش مقاومت خلق کرد پیوست و در سرگرا ۱۱ اردیبهشت ۵۹ (اول ماه مه) در جریان یک ماوریت شهادت به شهادت رسید.

پیکارگر شهید، رفیق احمد مؤذن

رفیق احمد در سال ۱۳۳۳ در دزفول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۳ با رتبه اول به دانشگاہ اهواز راه یافت. در سال ۵۵ ایدئولوژی طبقه کارگر را بعنوان یگانگت راهنمای ظفرنمون رهائی خلقها و زحمتکشان پذیرفت. رفیق در جریان مبارزات صنعتی - سیاسی دانشگاه اهواز در ردیف فعالترین دانشجویان قرار داشت. وی یکی از فعالین مؤثر در شکل دانشجویان، مل و گشودن دفتر دانشجویان مبارز بود. رفیق از اولین کسانی بود که در تشکیل "دانشجویان و دانشآموزان اهواز" سازمان پیکار "در اهواز فعالیت شرکت داشت. در جریان هجوم وحشیانه مزدوران رژیم و حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه اهواز دستگیر و پس از شکنجه‌های جسمی و روحی فراوان در سرگرا ه روز جمعه ۵۹/۲/۱۲ به جوخا اسددام سیرده شد.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید حسن فقیر (امیر)

رفیق امیر در سال ۱۳۳۶ در خا نواده کارگری و در جنوب تهران بدنیا آمد. تا سال اول دبیرستان در

رژیم جمهوری اسلامی، امسال را سال "امنیت" نامید و بدین ترتیب در آستانه سال نو "مژده" سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی، بخصوص کمونیستها را به سرما به داران داد. در این رابطه بیکاران را در اندام شک درود، ما مشهور... بخون نشاند، خلقهای قهرمانان ترکمن و کرد را وحشیانه کشتار کرد، دانشگاہها را تعطیل و دانشجویان انقلابی را در سنگردانشگاہها به گلوله بست و انقلابیون کمونیست را به شهادت رسانید. به جوخا عدا مسرود و با به شیوه‌های فاشیستی سرور نمود...

اما با اینهمه آتش مقاومت و مبارزه انقلابی طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران هر دم شعله ورتر میشود و به همراه نیروهای انقلابی و پیوسته کمونیستهای پیکار و خستگی نا پذیر بر مردم خونین ستاد و انقلاب را استوارتر و سرختر از همیشه در اهواز زنگه‌ها شده، به پیش میبرند. بیکارگران قهرمان تیکه فرازهای از زندگی پربارشان را در زیر بار محاصره میکنند اما تنددها انقلابی و کمونیست دیگر خون پاکشان در نیمه اول سال "امنیت" بدست رژیم پارتی در درگیری با مزدورانش و یاجین انجام وظایف انقلابی در راه و ستاد و انقلاب و تحقق جمهوری دمکراتیک خلق بر زمین ریخت.

یادشان زنده و خاطره‌شان جاودانه باد!

پیکارگر شهید، رفیق حجت الله خوش کفا

رفیق حجت دانش آموز ۱۳ ساله، عضواً و فعالین تشکیلات دانش آموزان اهواز در سازمان در اندام شک بود. روز ۲۶ اسفند ۵۸ در آستانه سال "امنیت" هنگامی که در اجتماع مردم مبارزان اندام شک در اعتراض بکشتار بیکاران آن شهر شرکت کرده بود، از ناحیه گردن هدف گلوله‌ها ساران قرار گرفت و به شهادت رسید. رفیق در فروش نشرات سازمان در فعالانه شرکت میجست و در زمینه طراحی نیز استعداد خوبی داشت. از وی طرحی بنام "پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر" بیادگار مانده که از طرف رفقای پیش در اندام شک تکثیر شده است.

پیکارگر شهید، رفیق مهناز معتمدی

رفیق مهناز معتمدی در شرکت نفت اهواز با شغل "ماشین نویسی" کار میکرد. سال ۵۸ در ضمن طولانی اما پیروز مندا نه کارآموزان ماشین نویسی بهمانسی شرکت نفت اهواز نقش فعالی بعهده داشت.

رفیق علاوه بر شرکت در مبارزات صنعتی - سیاسی محیط کار خود، در مبارزات کارگران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی نیز فعالیت شرکت میکرد. در همین رابطه در جریان وقایع دانشگاه اهواز به اسارت رژیم جمهوری اسلامی درآمد و هنگام عت ۱/۵ بعد از نیمه شب پنجشنبه ۵۹/۲/۴ همراه عده‌ای دیگر از زندانیان از محل بیدارگاہ انقلاب اسلامی به کانون کارآموزی زرگان منتقل میشدند که گلوله‌های افساداران مزدور در خون خود غلتید و به شهادت رسید.

پیشمرگه قهرمان، رفیق شهید کاک عبدالکریم شرتی

رفیق کریم در سال ۱۳۳۴ در شهر با نه متولد شد. در

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



بیسمرکه فهیرما ن،
رفیق مسعود ستایش

بیسمرکه فهیرما ن،
رفیق کاک عطاء طافانی

بیکار رگر شهید،
رفیق محمود مسعودی

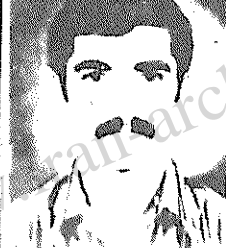
بیسمرکه فهیرما ن،
رفیق حسن فقیر امیر

بیکار رگر شهید رفیق
حجت خوش کفسا

**گوشه‌ای از تبارنامه
خونین خلق درسنگر
سازمان پیکار
در راه آزادی طبقه کارگر
(در نیمه اول سال
امنیت)**



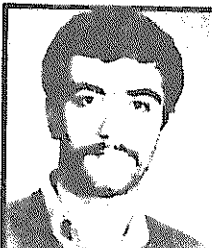
بیسمرکه فهیرما ن،
رفیق نجم الدین سخی



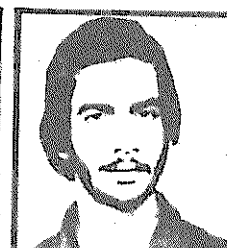
بیسمرکه فهیرما ن، رفیق
کاک عبد الکریم شرسی



بیکار رگر شهید، رفیق
ملم خلیج



بیکار رگر شهید، رفیق
طب نجم الدینی



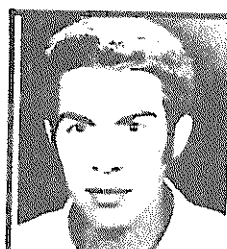
بیکار رگر شهید، رفیق
مسعود صا لحي راد



بیکار رگر شهید، رفیق
مهدی علوی سوسری



بیکار رگر شهید، رفیق
مهنسا رمعندی



بیکار رگر شهید، رفیق
احمد مو دس